فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، پیاپی ۹
صفحات ۱۱۰-۸۳

ساماندهی فضایی مقصدهای گردشگری (شهری و روستایی) در مقیاس ناحیه‌ای مورد: شهرستان طرقبه‌شاندیز

محمود ضیایی*، دانشیار گروه مدیریت جهانگردی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
مجتبی جاودان، دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
سیمین کاظمی‌ازغدی، کارشناس ارشد مدیریت جهانگردی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۴/۲۵ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۳/۵

چکیده

متأثر از روندهای غالب توسعه در سطح ملی، در مقیاس ناحیه‌ای نیز عدم تعادل‌های فضایی در بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و تجهیز مقصدهای (بالقوه) گردشگری نمایان است. در قلمرو این مقاله، سازمان فضایی گردشگری شهرستان طرقبه - شاندیز نیز شاهد بی‌نظمی‌های فضایی در پراکندگی منابع، جاذبه‌ها، محصولات و به ویژه خدمات پشتیبان گردشگری و در نهایت شبکه‌ای سازمان‌یافته از مقصدهای گردشگری است؛ لذا ساماندهی فضایی مقصد مورد مطالعه مبتنی بر الگوی تئوریک و واقعیت‌های جغرافیایی به عنوان هدف نهایی پژوهش مورد توجه واقع شده است. با عنایت به چالش پیش روی و برای نیل به هدف، روشِ تحقیق توصیفی- تحلیلی و همچنین گردآوریِ اطلاعات به شیوه‌ی اسنادی و میدانی مبنا قرار گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل ۳۴ مقصد گردشگری واقع در شهرستان بوده که برای کلیه مقصدها، فرم‌های اطلاعاتی تکمیل شده است؛ برای وزن‌دهی معیارها از روش AHP، برای تدقیق امتیاز نهایی و رتبه‌بندی مقصدها از روش پرومتی و برای سطح‌بندی مقصدهای گردشگری از روش تحلیل خوشه‌ای استفاده شده است؛ در نهایت با استفاده از تئوری نقطه شکست در محیط نرم افزاری (GIS) قلمروی عملکردی مقصدها تعیین شده است. نتایج نهایی، گویای وجود نظام چهارسطحی نابسامان در سازمان فضایی شهرستان با تفوق دو مقصد برتر (طرقبه و شاندیز) نسبت به سایر مقصدها می‌باشد، برای برون‌رفت از وضعیت نابسامان با تأسی به اصول راهبردی نظریه‌های سازمان فضایی از طریق مقایسه‌ی الگوی وضع موجود با الگوی تجریدی و در نهایت تعدیل آن متناسب با الزامات حاکم بر ناحیه، الگوی سازمان فضایی پیشنهادی شهرستان ارائه شده است.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی فضایی گردشگری، ساماندهی فضایی مقصدهای گردشگری، تحلیل سلسله‌مراتبی، تئوری نقطه شکست.

* تماس: ۰۹۱۲۳۸۴۹۳۶۳ Email: mdziaee@gmail.com

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

۱) مقدمه

گردشگری به‌عنوان یک پدیده اجتماعی– اقتصادی پیچیده، از جمله پدیده‌های مهم قرن بیستم بوده که به سرعت در قرن جدید نیز ادامه یافته و به سطوح بی‌سابقه‌ای از توسعه و پیشرفت در سطح جهانی رسیده است (زرافشانی و دیگران،۱۳۹۲: ۱۲۰). در اقتصادهای در حال توسعه، اهمیت توسعه گردشگری از آن جهت است که موجب تحرک و پویایی اقتصاد نواحی حاشیه‌ای و پیشرفت جوامع محلی به‌ویژه در عرصه‌ی توسعه فرصت‌های شغلی و درآمدی می‌شود (مطیعی‌لنگرودی و رضائیه‌آزادی،۱۳۹۲: ۷۶). با توجه به تخمینِ سالانه ۴ درصد افزایش در تعداد و هزینه‌کرد گردشگران بین‌المللی ورودی، پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۰، گردشگری بین‌المللی درآمدی حدود ۲ تریلیون دلار آمریکا در سال تولید نماید (Sharpley & Telfer, 2002: 1; UNWTO, 2011: 2). این رشد بی‌سابقه، اثرات قابل توجهی بر محیط فیزیکی، هویت فرهنگی و نیز اقتصاد بر جای خواهد گذاشت که کنترل آن‌ها را نمی‌توان به شانس و اتفاق واگذار کرد (Risteski et al., 2012: 376). این مسئله، ضرورت توجه به برنامه‌ریزی جامع و به‌ویژه ابعاد فضایی آن را آشکار می‌کند (Dredge, 1999: 773). مقصدهای گردشگری به‌عنوان بخشی مهم از نظام گردشگری و برآیندی از تحول و تطور پدیده‌ای مکانی- فضایی (Franklin, 2007: 133; Diamantis, 2007: 50; Pernecky, 2010: 3; Boers & Cottrell, 2005: 152)، در پهنه‌ی فضا به شمار می‌آیند؛ بنابراین، به منظور استفاده اثر بخش از ظرفیت‌های گردشگری، تنظیم روابط/پیوندها و نحوه‌ی آرایش فضایی مقصدها، کنترل پیامدهای رشد و توسعه و در نهایت پیشرفت در مسیر توسعه پایدار گردشگری، توجه به توسعه و برنامه‌ریزی فضایی، ضرورت پیدا می‌کند (Risteski et al., 2012: 376).

"توسعه فضایی گردشگری" نه تنها بستری را جهت ارضای نیازهای متنوع طیف بزرگی از گردشگرانْ هم‌سو با ظرفیت‌های گردشگری و جایگاهِ عملکردیِ هر یک از مقصدها در مقیاس ناحیه‌ای/ملی فراهم می‌نماید، بلکه به واسطه‌ی تعادل در انتشار فضایی عوامل برانگیزاننده رشد و توسعه، شماری انبوه از جوامع میزبانِ مستقر در قلمرو جغرافیایی مقصد را نیز از تحولات و منافع توسعه گردشگری متأثر خواهد نمود (تقوایی و غفاری،۱۳۸۹: ۸۳).

از دیدگاه لو و مک‌کرچر برخورداری منطقه‌ی مقصد[1] از نوعی تعادل و توازن فضایی، در شکل‌گیری تصویر مقصد نقشی با اهمیت ایفا می‌کند. می‌توان بخش‌های مختلف یک منطقه‌ی مقصد را با آرایش فضایی در قالب گره‌ها، محورها و پهنه‌ها به تصویر کشید و خوشه‌بندی کرد؛ تجزیه و تحلیل جامعی از این خوشه‌بندی و نحوه ارتباط فضایی به ایجاد هویت مکانی و شفافیت بیشتر در تصویر کلی مقصد کمک خواهد نمود (Lew & McKercher, 2006). به این ترتیب ساماندهی فضایی به عنوان یکی از مباحث

[1] Destination region

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

برنامه‌ریزی فضایی با دو هدف بهینه کردن آرایش مقصدها و بهینه کردن فعالیت‌ها و پیوندهای فضایی، در کانون توجه قرار می‌گیرد.

تبلور عینی سازمان فضایی سرزمین متأثر از سیاست‌های غیرمتوازن توسعه‌ای [و با اذعان به تنوع‌های جغرافیایی]، نمایانگر عدم تعادل و نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها، منابع و منافع توسعه میان فضاهای کم‌شمار برتر و پیرامون وسیع فروتر است. در روند توسعه گردشگری نیز متأثر از شرایط کلی حاکم بر فضای سرزمینی، عدم توازن فضایی در سطوح ملی و منطقه‌ای مشاهده می‌شود. تداوم این روند به معنای انحراف از اصول راهبردی توسعه پایدار گردشگری و تعمیق پیامدهای سوء زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فضایی خواهد بود. متأثر از روندهای پیشین، وضعیت موجود سازمان فضایی توسعه‌ی گردشگری شهرستان طرقبه‌شاندیز، گویای کم توجهی به ظرفیت‌های پراکنده در قلمرو شهرستان، عدم تعادل و نابسامانی در عملکردهای فضایی و عدم انتشار فعالیت‌های گردشگری و منافع ناشی از آن و در نهایت فقدان شبکه‌ای مناسب و هم‌پیوند از مقصدهای گردشگری است. بدین‌سان، با وجود نابرابری مکانی-فضایی میان مقصدهای برتر و گستره‌ی نسبتاً وسیع دارای ظرفیت، این پژوهش شناخت و تحلیل سیستماتیک شکاف‌ها و حلقه‌های مفقوده‌ی سازمان فضایی مقصدهای گردشگری در وضع موجود و در نهایت ارائه‌ی الگویی یکپارچه و متوازن از سازمان فضایی مقصدهای گردشگری در گستره‌ی ناحیه را به عنوان هدف و رسالت اصلی تعریف نموده تا بدین ترتیب بستر لازم برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار گردشگری در سطح شهرستان مورد مطالعه، فراهم شود.

۲) مبانی نظری

گردشگری شدیداً به منابع طبیعی و انسانی به عنوان دارایی‌های یک جامعه محلی وابسته است. استفاده مناسب از این منابع نیازمند برنامه‌ریزی و جانماییِ فضاییِ مطلوب کاربری‌ها و فعالیت‌ها است؛ از این رو، ایجاد هم‌پیوندی میان گردشگری و برنامه‌ریزی فضایی برای شناخت اثربخشِ سازمان و ساختار فضایی یک منطقه و تلاش برای دستیابی به یک الگوی سازمان فضایی مطلوب از مقصدهای گردشگری (خصوصاً از آن جهت که مقصدها از توان‌ها و ظرفیت‌های یکسانی برای رشد و توسعه برخوردار نیستند) یکی از اولین گام‌ها در حوزه‌ی برنامه‌ریزی فضایی و به‌طور خاص "ساماندهی فضایی" به‌شمار می‌رود.

ساماندهی فضایی رابطه‌ی تنگاتنگی با نحوه‌ی چیدمان و پراکندگی نقاط گرهی (مقصدها)، محورها و سطوح عملکردی از یک‌سو و الگوهای رشد و توسعه در ابعاد اقتصادی-اجتماعی از سوی دیگر دارد؛ پرداختن به چنین الگویی در حقیقت منجر به تعادل بخشی و سامان‌پذیری در فرآیند توسعه‌ی گردشگری در پهنه‌ی مورد مطالعه خواهد شد (ابراهیم‌زاده،۱۳۸۶: ۳۶)؛ بنابراین ساماندهی فضایی مقصدهای گردشگری را می‌توان استنتاج و تنظیم یک الگوی سلسله‌مراتب ساختاری/کارکردی (مقدور و

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

مناسب) جهت هدایت سرمایه‌گذاری در زیربناهای اجتماعی - اقتصادی و خدماتی به منظور فراهم کردن روابط منطقی، مکمل و عادلانه میان این مقصدها، دانست (جاودان، ۱۳۷۳؛ Misra and Achyutha, 1990: 221, 222).

تئوری‌های سازمان فضایی که برآمده از خاستگاه فکری جغرافی‌دانان در مقاطع مختلف بوده از دو فرض اساسی پیروی می‌کنند، اول اینکه کانون‌ها (جمعیت و فعالیت) بخشی از یک الگوی سلسله‌مراتبی محسوب می‌شود و دوم اینکه عملکرد این سلسله‌مراتب باید به وسیله تعدادی از نقاط گره‌ای در داخل نظام تقویت شود (Pualj, 1983)؛ نقاط گره‌ای، مکان‌های مرکزی و یا مرکزیت شبکه نامیده شده‌اند. مرکزیت، مفهومی است که با اهمیت اقتصادی فعالیت‌ها و زیرساخت‌های مرتبط به آن‌ها در یک ناحیه در ارتباط است و گویای این منطق است که چرا کانون‌ها در اندازه‌ها و با عملکردهای مختلف پراکنده شده‌اند.

یکی از فرضیه‌های تئوری مکان‌های مرکزی این است که در صورت وجود مجموعه‌ی واحد از مشتریان و فراگیری سیستم حمل و نقل، نواحی بازاری[1] وجود خواهد داشت که به صورتی کارآ کالاها و خدمات مورد نیاز جمعیت هدف را فراهم می‌نمایند؛ نظم‌پذیری نواحی بازار متاثر از دو مفهوم آستانه[2] و دامنه[3] است که خود بر پایه میزان جذابیت کالا یا خدمت و نیز نیروهای اقتصادی همچون عدم صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس درگستره نواحی متفاوت خواهد بود (Meyer and Huggett, 1978:11). از این رو، همواره تعداد قابل توجهی از کانون‌های کوچک‌تر برای دسترسی به کالاها و خدمات مرتبه بالا، اطراف کانون بزرگ‌تر آرایش می‌یابند و بدین ترتیب توزیع فضایی کانون‌ها مبتنی بر نظم (مثلاً قاعده رتبه - اندازه) و ساختار بهینه (مثل شبکه‌ای یا سلسله مراتبی)، شکلی از نظم سازمان فضایی است که مهم‌ترین پایه مفهومی مشترک در میان تئوری‌های سازمان فضایی است (Daniels,2007: 334,335).

به طور خلاصه، تئوری مکان مرکزی بیان می‌کند که مکان و موقعیت فعالیت‌های اقتصادی و در قلمرو این پژوهش منابع، جاذبه‌ها، محصولات و خدمات پشتیبان گردشگری، پدیده‌ای اتفاقی نیست و مکان‌ها یا مقصدهای با مرتبه بالاتر تنوع بیشتری از محصولات (جاذبه‌ها، تأسیسات، کالاها و خدمات) را عرضه می‌کنند. به این ترتیب، تئوری مکان‌های مرکزی در پیش‌بینی مقصدهایی که از آثار ناشی از توسعه گردشگری بیشترین بهره را خواهند برد، مورد استفاده واقع می‌شود (Daniels,2007: 335). در جدول شماره ۱مفاهیم، محورهای عمده و نتایج حاصل از تئوری‌های غالب سازمان فضایی به صورت خلاصه مورد اشاره واقع است.

[1] Market area
[2] Threshold
[3] Range

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

جدول شماره (۱): اجزای مفهومی تئوری‌های غالب سازمان فضایی

نظریه	محورها/اهداف عمده	مفاهیم/مؤلفه‌های اساسی	نتایج
الگوی کاربری زمین	تبیین این موضوع که چگونه و چرا فرآیندهای بازار الگوهای کاربری زمین را تعیین می‌کنند.	- فاصله و هزینه‌های حمل و نقل - سودآوری (تولیدکنندگان در پی حداکثر کردن سود خود هستند).	دستیابی به نظامی از دایره‌های هم‌مرکز پیرامون شهر مرکزی که در آن فعالیت‌های کشاورزی با توجه به دو عامل فاصله و سودآوری مکان‌یابی شده‌اند.
مکان مرکزی	- دستیابی به قانون‌مندی‌های جغرافیایی-اقتصادی حاکم بر اندازه، تعداد و توزیع سکونتگاه‌ها. - تبیین ساختار فضایی توسعه اقتصادی سکونتگاه‌ها. - تبیین رابطه میان مکان‌های مرکزی و حوزه‌های نفوذشان.	- مرکزیت به منزله یک اصل نظم‌یابی. - مکان مرکزی. - درجه مرکزیت. - کارکردها و خدمات مرکزی. - آستانه و برد کالاها و خدمات. - حوزه نفوذ. - نظام سلسله‌مراتب خدمات. - نظام سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها.	- سکونتگاه‌های انسانی بر اساس نظمی سلسله‌مراتبی استقرار یافته‌اند. که بر مبنای آن هر سطح دارای ویژگی‌های اساسی زیر است: • ساز و کار ویژه عملکردی با توجه به نسبت برخورداری از جمعیت، فعالیت، امکانات، خدمات و دامنه روابط بیرونی؛ • تأثیر ویژه فاصله/مسافت بر استقرار مراکز هم‌سطح در سلسله‌مراتب؛ • حوزه‌بندی مبتنی بر وسعت-فعالیت سکونتگاه‌ها. - این ویژگی‌های هم‌پیوند انعکاسی هستند از شرایط متفاوت و متنوع آستانه کالاها و خدمات گوناگون و نیز حیطه تقاضا برای آن‌ها. - حرکت در طول فضا، به طور کلی با افزایش فاصله، کاهش می‌پذیرد. - تا سطوحی از مکان‌های مرکزی رتبه‌بندی شده در فضا به وجود نیاید، رشد و توسعه به تمام مناطق تراوش نخواهد کرد.
قطب رشد	- شناسایی قطب‌های رشد به عنوان کانون‌های شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی متمرکز که قادر است به شیوه‌های نوآورانه، رشد سایر مجموعه‌ها را نیز زمینه‌سازی کند. - انتشار اثرات رشد به کل منطقه بر پایه اثرات فزاینده و رشد القایی بخش پیشاهنگ و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای.	- فضای اقتصادی. - صنایع پیشاهنگ و بنگاه‌های پیشتاز. - قطبش. - صرفه‌جویی‌های ناشی از تجمع. - اثر پخش.	- توسعه مستلزم قطبی شدن است، رشد اقتصادی در همه‌جا ظاهر نمی‌شود بلکه از برخی نقاط حاصل می‌گردد و از آن‌جا به دیگر فضاها گسترش می‌یابد. - قطب‌های رشد منجر به پخش و اشاعه آثار توسعه به دیگر فضاها خواهند شد. - قطب‌های رشد منبع و پخش‌کننده نوآوری‌ها هستند.
رویکرد مرکز-پیرامون	- دستیابی به درکی کلی از ساختار فضایی و پیش‌بینی تغییرات و راه‌حل‌های توسعه آن بر مبنای تعریف هر نظام جغرافیایی بر اساس دو زیرنظام فضایی مرکز و پیرامون. - ارائه مدلی برای بررسی نحوه سازمان‌پذیری فضای فعالیت انسانی مبتنی بر توزیع نامتعادل و نابرابر قدرت اقتصادی و اجتماعی در مقیاس‌های متفاوت (ملی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای).	- هر نظام جغرافیایی شامل دو زیرنظام فضایی است: ۱. مرکز: قلب پیشتاز و پویای نظام. ۲. پیرامون: که در حالت وابستگی و سلطه‌پذیری نسبت به مرکز قرار دارد. - رابطه استعماری بین مرکز و پیرامون. - تقسیم مناطق توسعه به مناطق هسته‌ای، نواحی انتقالی پیشرفته، مناطق مرزی دارای منابع، نواحی انتقالی عقب‌مانده و مناطق دارای مسائل ویژه به عنوان چارچوبی برای تجزیه و تحلیل.	- از نظر فضایی رشد اقتصادی در ماتریسی از مناطق شهری به عنوان سنگ‌بناهایی که بر حول آن فضای اقتصادی ساخته می‌شود و در جهت یکپارچگی رو به فزونی تکامل می‌یابد، اتفاق می‌افتد. - در نتیجه یک نظام مرتبه‌ای از شهرها و حوزه‌های شهری حاصل می‌شود که می‌تواند نشانگر افزایش یکپارچگی فضایی و در نتیجه توسعه باشد. - توجه بیش از اندازه به نقش شهر به عنوان وحدت‌بخش و ثبات‌بخش و به عنوان مرکزی که توسعه در آن زاییده شده و سپس به پیرامون روستایی جریان می‌یابد.

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

ادامه جدول شماره (۱): اجزای مفهومی تئوری‌های غالب سازمان فضایی

نظریه	محورها/اهداف عمده	مفاهیم/مؤلفه‌های اساسی	نتایج
مراکز رشد	- تشویق عدم تمرکز فعالیت‌ها، خدمات، جمعیت و جلوگیری از ایجاد شهرهای بزرگ. - ظهور جوامع روستا شهری که از نظر اجتماعی نزدیک به روستاها اما از نظر اقتصادی و سازمان‌یافتگی بیشتر شبیه شهرها باشند، به منظور کاهش فاصله‌های اجتماعی-اقتصادی بین روستا و شهر. - یکپارچگی کارکرد شهر و روستا از طریق برقراری توازن بیشتر و تقویت متقابل مکان‌های مرکزی. - توزیع اندامور بهینه مراکز رشد و توسعه در سطوح میانی و پایین‌تر در چارچوب نظامی سلسله‌مراتبی. - انتخاب الگوی توسعه‌ی تمرکز غیرمتمرکز	- مرکزیت مکانی. - تجمع امکانات بالفعل. - سطح بالای ارتباطات. - تنوع فعالیت‌ها. - موجود بودن همه خدماتی که در سطوح پایین وجود دارند، در سطح‌های بالاتر. - ساختار سلسله‌مراتبی متشکل از ۱) قطب رشد، ۲) مرکز رشد، ۳) نقطه رشد، ۴) مرکز خدمات، ۵) روستای مرکزی.	- تجدید سازمان الگوی سکونتگاهی به نفع آن مراکزی که بیشترین امکان بالقوه برای تبدیل به مراکز رشد یا خدمات را دارند. - اتصال مراکز سکونتگاهی کوچک به زنجیره نظام سکونتگاهی منطقه‌ای و ملی. - تأکید بر برابری بیشتر در توزیع منافع که ناشی از تلاش برای توسعه ملی است. - توجه به تفاوت در اندازه و کارکرد کانون‌های رشد برای تناسب با نیازهای منطقه‌ای خاص. - تشکیل سلسله‌مراتب متوازن و متعادلی از کانون‌های رشد: • مراکز پایین‌ترین سطح مناطق خرد را پوشش می‌دهند. • کانون‌های سطح میانی، مناطق میانی را تحت پوشش دارند. • کانون‌های بالاترین سطح، مناطق کلان را کنترل می‌کنند.
کارکردهای شهری در توسعه‌ی روستایی	- فراهم آوردن آن دسته از خدمات، تسهیلات و تاسیسات زیربنایی که نمی‌توان از نظر صرفه اقتصادی در روستاهای کوچک و آبادی‌ها مستقر نمود.. - یکپارچگی عملکردی-فضایی. - توسعه روستایی.	- مکان‌های مرکزی. - یکپارچگی عملکردی-فضایی. - پیوندهای میان یک مکان مرکزی و نواحی روستایی پیرامون. - پیوندهای میان مکان‌های مرکزی در درون و بیرون از منطقه. - ضرورت وجود سلسله‌مراتب متوازن برای توسعه.	- پر کردن خلأ سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌ها از بالا به پایین و از راه مکان‌های مرکزی شهری امکان‌پذیر است. - عدم تحقق یکپارچگی عملکردی-فضایی در نظام سکونتگاهی، مانع پیدایش الگوی متوازن رشد اقتصادی از نظر بخشی و جغرافیایی می‌شود.
رویکرد شبکه‌ی منطقه‌ای	- توصیه به رشد و توسعه هماهنگ از طریق روابط مکمل و پیوندهای سازمان‌یافته‌ی شهری- روستایی در سطح مناطق. - فراهم آوردن نگرشی نسبتاً متنوع، چندعاملی و جامع‌نگر به توسعه‌ی منطقه‌ای که بر هماهنگ‌سازی و ادغام توسعه روستایی با توسعه شهری در مقیاس ناحیه‌ای و محلی استوار است.	- توجه به ارتباطات افقی میان مراکز در یک سطح علاوه بر ارتباطات عمودی میان سطوح گوناگون. - تقویت پیوندهای روستایی-شهری. - توجه به پنج نوع جریان مردم، تولید، کالاها، سرمایه و اطلاعات که منجر به پیوند مکمل و دوسویه روستایی-شهری می‌گردد.	- بهره‌گیری از تجمع و انباشت شهرها و روستاها در یک واحد ناحیه‌ای توسعه و لذا برخورداری از تنوع و توان‌های تکمیل‌کننده موجود بین مراکز مختلف و بین هر مرکز و حوزه نفوذ بلافصل آن در یک منطقه. - بهره‌گیری از تعامل بین روستاها و شهرها، به عنوان شبکه‌های ناحیه‌ای با درجات متفاوت تراکم در کل ناحیه و فراتر از آن برای دستیابی به رشد و توسعه هماهنگ. - شبکه‌ای از سکونتگاه‌های روستایی و شهری مرتبط و تعاملی، می‌تواند بهتر از یک قطب رشد، با فراهم ساختن یک سطح از انباشت و تنوع اقتصادی، به عنوان یک قطب بدیل به جای گسترش نواحی کلان‌شهری هسته‌ای عمل می‌کند.

منبع: استنتاج و تحلیل نگارندگان از منابع در دسترس به ویژه: (اجلالی، ۱۳۷۳؛ جاودان،۱۳۷۳؛ عزیزپور و محسن‌زاده، ۱۳۸۹؛ مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۱؛ جمعه‌پور، ۱۳۸۵؛ میسرا، ۱۳۵۳؛ Meyer and Huggett, 1978; Mandal, 1988; Rondinelli, 1985; Douglas, 1998)

در زمینه‌ی مباحث مرتبط با برنامه‌ریزی فضایی و به‌ویژه ساماندهی فضا، تحقیقات گسترده‌ای در عرصه‌ی دانش جغرافیا صورت گرفته است، ولی در قلمرو گردشگری کمتر به موضوع مذکور به‌ویژه از

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

منظر برنامه‌ریزی مقصد (جانب عرضه) توجه شده است. تحقیقات مرتبط با برنامه‌ریزی فضایی مقصد، تا حد زیادی تنها تا مرحله شناسایی اجزای سازمان فضایی (گره‌ها، خطوط و پهنه‌ها که زیرساخت‌های گردشگری یک مقصد را شکل می‌دهند) و بیان اینکه چه چیزی کجاست و چرا بدین گونه پراکنده شده-اند، پیش رفته است. این در حالی است که برنامه‌ریزی مقصد نیازمند دانشی از پیکره‌بندی پایدار اجزای سازمان فضایی[1] است (یعنی توجه به ماهیت این اجزا، سلسله‌مراتب موجود میان‌شان و روابط عملکردی میان آن‌ها)(Boers & Cottrell, 2005). این مطلب بیانگر نو بودن عرصه‌های مرتبط با ساماندهی فضا در بحث‌های گردشگری چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح داخلی است. جدول شماره ۲ به یافته‌های برخی از مهم‌ترین مطالعات انجام شده داخلی و خارجی در این زمینه اشاره دارد.

جدول شماره (۲): پیشینه‌ی موضوع

نویسنده	عنوان بحث	مباحث و یافته‌های عمده
گان (۲۰۰۰)	برنامه‌ریزی گردشگری: مبانی، مفاهیم، موارد	-معرفی عناصر فضایی در برنامه‌ریزی مقصدهای گردشگری؛ - ایجاد توازنی مطلوب میان محیط و توسعه گردشگری؛ - توصیف ساختار فیزیکی نواحی مقصد.
دینگ و همکاران (۲۰۱۱)	ساختار فضایی جاذبه‌های گردشگری در نانجینگ، چین	- بررسی ویژگی‌های ساختار فضایی جاذبه‌های گردشگری در نانجینگ؛ - تحلیل کمی عوامل تأثیرگذار بر توزیع ساختار فضایی جاذبه‌ها؛ - شناسایی عوامل توسعه اقتصادی منطقه، سطح توسعه اقتصاد گردشگری منطقه، توانمندی منابع گردشگری منطقه و اقدامات دولتی به عنوان برخی از عوامل تاثیرگذار در توزیع فضایی جاذبه‌های گردشگری در منطقه نانجینگ؛ - ارائه استراتژی‌ها و جهت‌گیری‌هایی برای بهینه‌سازی توزیع فضایی جاذبه‌ها.
درِج (۱۹۹۹)	برنامه‌ریزی و طراحی مکانی مقصد	- اشاره به ضرورت پرداختن به مفاهیم و ملاحظات فضایی گردشگری به مثابه بخشی از یک فرآیند برنامه‌ریزی جامع؛ - ارائه مدلی مبتنی بر اجزای سازمان فضایی در زمینه برنامه‌ریزی مقصد از دیدگاه فضایی.
دنیلز (۲۰۰۷)	تئوری مکان مرکزی و اثرات گردشگری ورزشی	- بررسی ویژگی‌های مکانی/موقعیتی تاثیرگذار بر خروجی‌های اقتصادی مرتبط با میزبانی یک رویداد ورزشی بر اساس تئوری مکان مرکزی؛ - مقصد بزرگتر که از مرتبه بالاتری در سلسله‌مراتب مکان‌های مرکزی برخوردار است، از منافع اقتصادی بیشتری بهره‌مند می‌شود.
تقوایی و غفاری (۱۳۸۹)	برنامه‌ریزی فضایی در توسعه صنعت گردشگری، مطالعه موردی: استان چهارمحال و بختیاری، محور بازفت	- معرفی مباحثی همچون لایه‌بندی فضا، تعیین اوزان عملکردی و مکانیابی کانون‌های گردشگری برای سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌های عمرانی به عنوان رویکردهایی ضروری در فرآیند نیل به توسعه پایدار و متوازن؛ - تعریف سطوح یا لایه‌های فضایی همگن؛ - انتخاب کانون‌های گردشگری برتر (شامل قطب‌ها، مراکز و نقاط گردشگری)؛ - تنظیم تعاملات کارکردی بین کانون‌ها؛ - ارائه راهبردهای اجرایی در توسعه و تجهیز ساختار و سازمان فضایی حاکم بر هر کانون.
شجاعی (۱۳۸۹)	اولویت‌بندی شاخص‌های سطح‌بندی مقصدهای گردشگری استان مازندران	-شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های سطح‌بندی مقصدهای گردشگری در استان مازندران؛ - کمک به برنامه‌ریزی توسعه متوازن و پایدار مقصدها در مناطق گردشگری.

[1] Entities' sustainable spatial configuration

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

با توجه به اینکه در چارچوب این پژوهش، رسیدن به وجوه مشترک تئوری‌ها و اصول راهبردی ساماندهی فضایی مقصدهای گردشگری مدنظر قرار گرفته است، می‌توان اصول مفروض برای سازمان‌یابی فضایی مقصدهای گردشگری را (که به‌طور ویژه نشانگر وجوه تمایز میان حوزه برنامه‌ریزی فضایی با سایر حوزه‌های برنامه‌ریزی نیز می‌باشد) بر اساس شکل شماره ۱ مورد تأکید قرار داد.

بدین ترتیب، بر پایه مبانی و مفروضات پایه‌ی تئوری‌های سازمان فضایی اصول و مؤلفه‌های راهبردی در ساماندهی فضایی مقصدهای گردشگری در قالب سه مؤلفه‌ی «ظرفیت‌های مقصد»، «کارکردها (خدمات) مقصد» و «دسترسی‌های مقصد» مورد تأکید قرار گرفته است. این اصول چارچوب عملیاتی مورد نظر برای ساخت‌یابی (آرایش) معیارهای مناسب به منظور تحلیل و در نهایت نیل به سازمان فضایی یکپارچه و متوازن از مقصدهای گردشگری در گستره‌ی ناحیه را فراهم می‌نماید؛ بدین ترتیب چارچوب مورد استفاده در این پژوهش به منظور سازماندهی شاخص‌ها، چارچوب مبتنی بر مؤلفه‌های راهبردی می‌باشد (شکل شماره۲).

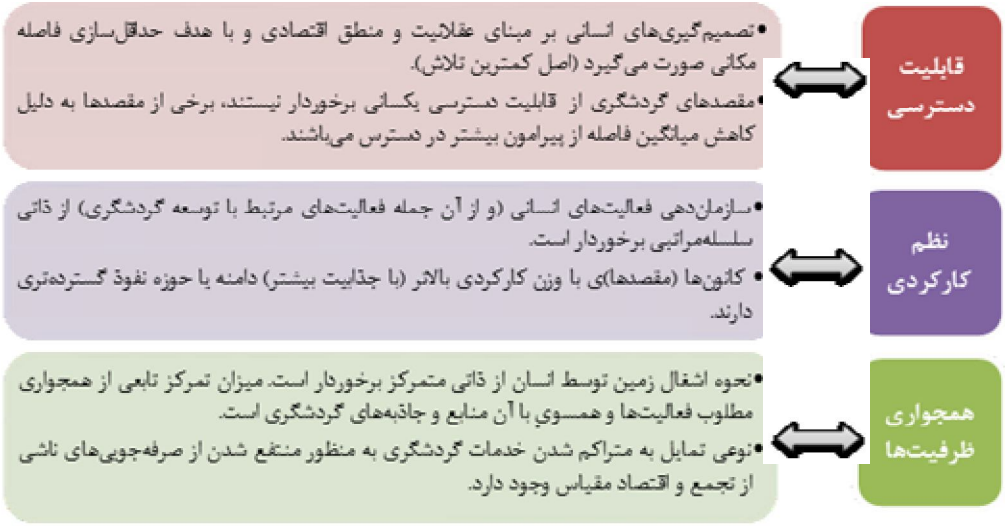

شکل شماره (۱): اصول مفروض در سازمان‌یابی مقصدهای گردشگری از منظر رهیافت ساماندهی فضایی

منبع: اقتباس از مندل، ۱۹۸۹.

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

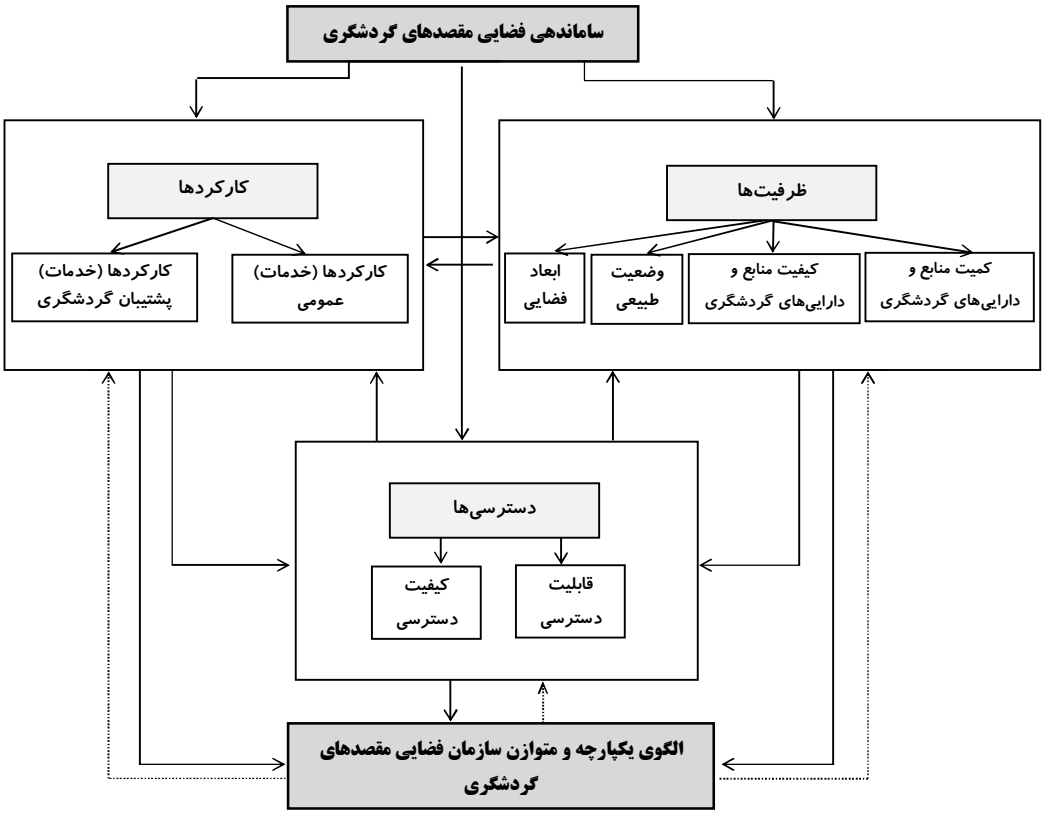

شکل شماره (۲): چارچوب مفهومی پژوهش

(مؤلفه‌ها و معیارهای کلیدی ساماندهی فضایی مقصد)

۳) روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی است. برای تکمیل تحقیق حاضر از روش مطالعه‌ی موردی استفاده شده است. جامعه آماری برای انجام مطالعه، ۳۴ مقصد بالقوه و بالفعل گردشگری (شهری و روستایی) در شهرستان طرقبه‌شاندیز واقع در استان خراسان رضوی است که برای تکمیل فرم‌های اطلاعاتی مورد نیاز، در معرض تمام‌شماری قرار گرفته‌اند؛ سطح تحلیل پژوهش، کلیه مقصدهای پراکنده در سطح شهرستان مذکور بوده است؛ برای تعیین وزن معیارها و محاسبه امتیاز نهایی مقصدهای گردشگری، از ده نفر متخصص گردشگری آشنا با مفاهیم تحلیل فضایی نیز استفاده شده است. روش و ابزار گردآوری اطلاعات نیز مبتنی بر روش‌های اسنادی و میدانی بوده است، برای گردآوری اطلاعات میدانی، فرم‌های اطلاعاتی (برحسب لیست شاخص‌ها) تنظیم و مبتنی بر روش‌های زیر تکمیل و برداشت شده است:

(۱) مراجعه به سازمان‌های ذی‌صلاح و پرسش از افراد سازمانیِ مطلع در نهاد مرتبط؛ (۲) مراجعه به افراد مطلع محلی و به‌ویژه دهیاران و اعضای شورای اسلامی هر یک از این مقصدهای گردشگری پراکنده در سطح شهرستان؛ و (۳) مشاهدات مستقیم محقق از طریق مراجعه به هر یک از مقصدها و

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

بررسی‌های شخصی در محدوده‌ی مورد مطالعه. در این تحقیق برای ساخت مدل تحلیل اطلاعات و نیل به امتیاز نهایی هر یک از مقصدهای گردشگریِ مورد مطالعه، به طور کلی روش‌های زیر مورد استفاده قرار گرفته است (با توجه به اینکه در این مقاله امکان توضیح همه این روش‌ها وجود ندارد، از توضیح روش‌های متداول‌تر همچون روش AHP، تحلیل خوشه‌ای و تئوری نقطه شکست[۱] صرف‌نظر شده است، برای آشنایی بیشتر با این روش‌ها می‌توان به منابع معرفی شده در پاورقی مراجعه کرد)[۲]:

- روش نرمال‌سازی فازی برای همسان‌سازی اختلاف مقیاس شاخص‌ها؛
- تکنیکA.H.P[۳] و نرم‌افزار Expert Choice برای وزن‌دهی به شاخص‌ها و معیارهای هشت‌گانه‌ی مورد استفاده در تعیین امتیاز نهایی هر یک از مقصدهای گردشگری؛
- تکنیک پرومتی[۴] و نرم‌افزار Visual PROMETHEE برای تعیین امتیاز نهایی هر یک از مقصدهای گردشگری؛
- تکنیک تحلیل خوشه‌ای و نرم‌افزار SPSS به منظور سطح‌بندی مقصدهای گردشگری؛
- تکنیک نقطه‌ی شکست[۵]و نرم‌افزار ArcGIS برای تعیین حوزه‌های عملکردی مقصدهای گردشگری.

تکنیک پرومتی یا روش ساختاریافته‌ی رتبه‌بندی ترجیحی برای غنی‌سازی ارزیابی‌ها[۶] و رتبه‌بندی گزینه‌ها (آلترناتیوها) است که توسط جی. پی. برانس[۷] در سال ۱۹۸۲ برای نخستین بار مطرح شد (Behzadian et al., 2010: 199). پشتوانه‌ی ریاضی و در عین حال سهولت استفاده از این تکنیک، آن را به عنوان یکی از کارآمدترین روش‌های پشتیبانی تصمیم‌گیری چندمعیاره مطرح کرده است (Brans and Mareschal, 2000). ایجاد جدول ارزیابی[۸]، نقطه‌ی شروع کار با تکنیک پرومتی است. در این جدول گزینه‌ها (در اینجا مقصدهای گردشگری) که ردیف‌های جدول را تشکیل می‌دهند، بر اساس معیارهای مختلف (ستون‌های جدول) مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. پس از تشکیل جدول ارزیابی، فرآیند مرحله به مرحله تکنیک پرومتی مطابق شکل شماره ۳ خواهد بود (Behzadian et al., 2010: 19).

به منظور دستیابی به متغیرها و شاخص‌های موردنظر برای اندازه‌گیری معیارهای تعریف شده و بر اساس مروری بر ادبیات توسعه و برنامه‌ریزی گردشگری (نظیر ارزیابی مقصدهای گردشگری، عوامل

---

[1] Breaking Point Theory

[۲]- قدسی‌پور، سید حسن (۱۳۸۸). فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی. تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
- حبیب‌پور، کرم و صفری، رضا (۱۳۹۰). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی. تهران: نشر لویه.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۸). *سطح‌بندی روستاهای کشور*. تهران: انتشارات شهیدی.

[3]Analytical Hierarchy Process
[4]PROMETHEE: Preference Ranking Organization METHod for Enrichment Evaluations
[5]Breaking Point
[6]Preference Ranking Organization METHod for Enrichment Evaluations (PROMETHEE)
[7] J. P. Brans
[8]Evaluation table

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

تأثیرگذار در شکل‌دهی به تصویر مقصد و رقابت‌پذیری مقصد) در اولین گام لیستی از عوامل اثرگذار بر فرآیند ارزیابی مقصدهای گردشگری، رتبه‌بندی آن‌ها و به تبع آن ساماندهی فضایی مقصدهای گردشگری تهیه گردید. سپس با توجه به شرایط ناحیه‌ی مورد مطالعه و فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی، با در نظر گرفتن معیارهایی چون قابلیت اندازه‌گیری، در دسترس بودن داده‌های اولیه، صرفه‌ی اقتصادی، هم‌سویی با اهداف و برخورداری از زیربنای علمی مناسب، شاخص‌ها و متغیرهای موردنظر غربال‌گری و در نهایت لیست شاخص‌های منتخب به شرح جدول شماره ۳ آماده و مبنای اندازه‌گیری واقع شد.

ناحیه‌ی مورد مطالعه شهرستان طرقبه‌شاندیز است که در مختصات جغرافیایی تقریبی ۵۹ درجه و ۲ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته و دارای ۱۲۰۰ کیلومتر مربع مساحت و ۵۰ هزار نفر جمعیت می‌باشد (بازوبندی، ۱۳۸۶: ۸). استقرار ناحیه طرقبه‌شاندیز در دامنه کوه‌های بینالود موجب ایجاد توپوگرافی کوهستانی در آن و نیز پیدایش اقلیم مطلوب در مقابل اقلیم گرم و خشک دشت مشهد شده است. همچنین وجود پهنه‌های پوشیده از گیاهان خودرو و دست‌کاشت و رودها در محدوده‌ی دره‌ها، وجود چشم‌اندازهای بدیع و بکر که در اثر تنوع شکل زمین پدید آمده‌اند و مانند آن، موجبات پیدایش جاذبه‌های گردشگری طبیعی در ناحیه را فراهم آورده است.

در کنار جاذبه‌های طبیعی، وجود منابع گردشگری تاریخی و فرهنگی، که از یک‌سو حاصل قرارگیری ناحیه در حیطه ولایت تاریخی توس و در مسیر جاده ابریشم بوده و از سوی دیگر به تنوع قومی و نژادی ناحیه باز می‌گردد، در زمینه توسعه‌ی قابلیت‌های گردشگری ناحیه اهمیت بسیار دارند. آثار تاریخی ثبت شده و با ارزش شهرستان طرقبه‌شاندیز ۲۰ اثر معرفی شده است که خود نشان از گذشته‌ی تاریخی غنی این ناحیه دارد (مهندسان مشاور فرنهاد،۱۳۸۹: ۱۲۳). شهرستان طرقبه‌شاندیز به مرکزیت شهر طرقبه از دو بخش طرقبه و شاندیز تشکیل شده است. بر اساس عناصر تقسیمات کشوری، این شهرستان دارای دو نقطه‌ی شهری طرقبه و شاندیز و همچنین ۳۲ روستای برخوردار از دهیاری و شورای اسلامی روستایی می باشد که به طور کلی ۳۴ نقطه‌ی سکونتگاهی به عنوان مقصدهای گردشگری بالقوه و بالفعل در ناحیه شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

گام اول- تعیین اختلاف میان ارزیابی‌ها بر مبنای مقایسه زوجی

$$d_j(a,b) = f_j(a) - f_j(b)$$

که در آن $d_j(a,b)$ نشان‌دهنده تفاوت میان ارزیابی‌های دو گزینه a و b برای هر معیار است.

گام دوم- انتخاب تابع ترجیح

$$P_j(a,b) = G_j\left[f_j(a) - f_j(b)\right] \quad j = 1, \dots, k$$

که در آن $P_j(a,b)$ میزان ترجیح گزینه a نسبت به گزینه b برای هر معیار بوده و به صورت تابعی از $d_j(a,b)$ بیان می‌شود.

گام سوم- محاسبه شاخص ترجیح کلی یا عمومی

$$\forall a,b \in A \qquad \pi(a,b) = \sum_{j=1}^{k} w_j P_j(a,b)$$

که در آن $\pi(a,b)$ به عنوان شاخص ترجیح a بر b عددی بین ۰ و ۱ بوده و از جمع وزنی $P(a,b)$ها برای هر معیار محاسبه می‌شود. w_j وزن معیار j اُم می‌باشد.

گام چهارم- محاسبه جریان‌های نارتبه‌ای / رتبه‌بندی جزئی PROMETHEE I

$$\varphi^{+}(a) = \frac{1}{n-1}\sum_{x \in A} \pi(a,x) \quad \text{و} \quad \varphi^{-}(a) = \frac{1}{n-1}\sum_{x \in A} \pi(x,a)$$

که در آن $\varphi^{+}(a)$ و $\varphi^{-}(a)$ به ترتیب نشان‌دهنده‌ی جریان‌های نارتبه‌ای مثبت و منفی برای هریک از گزینه‌ها می‌باشند.

گام پنجم- محاسبه جریان نارتبه‌ای خالص / رتبه‌بندی کامل PROMETHEE II

$$\varphi(a) = \varphi^{+}(a) - \varphi^{-}(a)$$

که در آن $\varphi(a)$ نشان‌دهنده‌ی جریان نارتبه‌ای خالص برای هر گزینه است.

شکل شماره (۳): فرآیند تکنیک پرومتی

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

جدول شماره (۳) : چارچوب سازماندهی شاخص‌ها

	مولفه‌ها	معیارها	متغیرها / شاخص‌ها	
مقصد گردشگری	ظرفیت‌ها	کمیت منابع و دارایی‌های گردشگری	جاذبه‌های طبیعی	تنوع جاذبه‌های طبیعی تعداد جاذبه‌های طبیعی واجد ارزش
			جاذبه‌های تاریخی- فرهنگی	تنوع جاذبه‌های تاریخی- فرهنگی تعداد جاذبه‌های تاریخی- فرهنگی واجد ارزش تعداد جاذبه‌های تاریخی- فرهنگی ثبت‌شده در فهرست آثار ملی برخورداری از الگوهای فرهنگی متمایز
			جاذبه‌های نوع‌ویژه	تنوع جاذبه‌های نوع ویژه تعداد جاذبه‌های نوع ویژه‌ی واجد ارزش
		کیفیت منابع و دارایی‌های گردشگری	امنیت پاکیزگی چشم‌انداز (کیفیت منظر) شهرت	منحصر به فردی مهیا بودن اصالت قدمت
		وضعیت طبیعی	دسترسی به منابع آب شیب عمومی مخاطرات طبیعی	موقعیت استقرار مقصد اراضی قابل توسعه امکان کاربری تفرجی
		ابعاد فضایی	متوسط فاصله تا دیگر مقصدها فاصله تا مرکز جمعیتی اصلی فاصله تا تأسیسات اقامتی رسمی	پیوندهای عملکردی میان مقصدها برد فضایی مقصد
	کارکردها	کارکردها (خدمات) عمومی	خدمات رفاهی (آب، برق، گاز) خدمات مالی و بانکی خدمات امنیتی و انتظامی خدمات بهداشتی خدمات فرهنگی	خدمات خرده‌فروشی خدمات ارتباطی (مخابرات، پست، اینترنت) آتش‌نشانی پمپ بنزین و گاز پارکینگ
		کارکردهای پشتیبان گردشگری	خدمات اقامتی خدمات پذیرایی	خدمات توزیع و اطلاع‌رسانی خدمات مدیریتی- نهادی
	دسترسی‌ها	قابلیت دسترسی	فاصله تا مسیر اصلی سهولت دسترسی	تنوع ناوگان حمل و نقل عمومی
		کیفیت دسترسی	نوع راه ارتباطی کیفیت راه ارتباطی	ایمنی راه ارتباطی کارآیی ناوگان حمل و نقل عمومی

۴) یافته‌های تحقیق

نتایج به دست آمده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) حاکی از این است که از نگاه کارشناسان و خبرگان، در ساماندهی فضایی مقصدهای گردشگری، معیار «کیفیت منابع و دارایی‌های گردشگری» دارای بیشترین اهمیت است، معیار «کیفیت دسترسی» نیز در رتبه دوم قرار دارد. پس از آن به ترتیب معیارهای «کمیت منابع و دارایی‌های گردشگری»، «کارکردهای (خدمات) پشتیبان گردشگری»، «قابلیت دسترسی»، «ابعاد فضایی»، «وضعیت طبیعی» و «کارکردها (خدمات) عمومی» قرار می‌گیرند (جداول شماره ۴و۵).

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

جدول شماره(۴) : وزن معیارها

نام معیار	وزن معیار	نام معیار	وزن معیار
کمیت منابع و جاذبه‌های گردشگری مقصد	۰,۱۲۱	کارکردها (خدمات) عمومی مقصد	۰,۰۴۳
کیفیت منابع و دارایی‌های گردشگری مقصد	۰,۲۳۷	کارکردها /خدمات پشتیبان گردشگری	۰,۱۱۹
وضعیت طبیعی مقصد	۰,۰۷۵	قابلیت دسترسی مقصد	۰,۱۱۴
ابعاد فضایی مقصد	۰,۰۷۷	کیفیت دسترسی مقصد	۰,۲۱۴
نرخ ناسازگاری		۰,۰	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲.

جدول شماره (۵): وزن زیرمعیارها

نام معیار	نام زیرمعیار	وزن	نام معیار	نام زیرمعیار	وزن
کمیت منابع و دارایی‌های گردشگری مقصد	تنوع جاذبه‌ها	۰,۲۳۵	ابعاد فضایی مقصد	متوسط فاصله تا دیگر مقصدها	۰,۰۸۴
	برخورداری از جاذبه‌های واجد ارزش	۰,۷۶۵		فاصله تا مرکز جمعیتی اصلی	۰,۲۰۹
	نرخ ناسازگاری	۰,۰		فاصله تا تاسیسات اقامتی رسمی	۰,۱۰۶
کیفیت منابع و دارایی‌های گردشگری مقصد	امنیت	۰,۱۸۸		پیوندهای عملکردی میان مقصدها	۰,۲۰۶
	پاکیزگی	۰,۰۵۸		برد فضایی مقصد	۰,۳۹۵
	چشم‌انداز	۰,۰۷۹		نرخ ناسازگاری	۰,۰۱
	شهرت	۰,۱۱۲	کارکردها (خدمات) پشتیبان گردشگری	خدمات اقامتی	۰,۲۳۳
	منحصر به فردی	۰,۲۵۶		خدمات پذیرایی	۰,۲۴۴
	مهیا بودن	۰,۱۱۹		خدمات توزیع و اطلاع‌رسانی	۰,۱۳۷
	اصالت	۰,۱۱۱		خدمات مدیریتی و نهادی	۰,۳۸۶
	قدمت	۰,۰۷۶		نرخ ناسازگاری	۰,۰۱
	نرخ ناسازگاری	۰,۰	قابلیت دسترسی	فاصله تا مسیر اصلی	۰,۲۲۴
وضعیت طبیعی مقصد گردشگری	دسترسی به منابع آب	۰,۲۷۱		سهولت دسترسی	۰,۶۱۹
	شیب عمومی	۰,۰۸۹		تنوع ناوگان حمل و نقل عمومی	۰,۱۵۷
	مخاطرات طبیعی	۰,۱۹۲		نرخ ناسازگاری	۰,۰۱
	موقعیت استقرار	۰,۱۲۸	کیفیت دسترسی	نوع راه ارتباطی	۰,۱۰۴
	اراضی قابل توسعه	۰,۱۵۸		کیفیت راه ارتباطی	۰,۲۶۳
	امکان کاربری تفرجی	۰,۱۶۳		ایمنی راه ارتباطی	۰,۴۹۷
	نرخ ناسازگاری	۰,۰		کارآیی ناوگان حمل و نقل عمومی	۰,۱۳۶
				نرخ ناسازگاری	۰,۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲.

با استفاده از روش پرومتی نسبت به رتبه‌بندی مقصدها و تعیین امتیاز نهایی آن‌ها اقدام شده است؛ مبتنی بر بازتاب نتایج در جدول شماره ۶، مقصدهای طرقبه و شاندیز با کسب امتیاز بیشتر از ۹۰ واحد رتبه های اول و دوم و مقصدهای شلگرد و چاهشک با کسب امتیاز کمتر از ۶ واحد در رتبه‌های آخر (۳۳

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

و ۳۴) واقع شده‌اند؛ همچنین، در مجموع می‌توان گفت تنها حدود ۱۸ درصد از مقصدهای گردشگری شهرستان امتیاز بیش از ۵۰ واحد را اخذ نموده‌اند.

جدول شماره (۶): توزیع امتیاز نهایی و رتبه مقصد های گردشگری در سطح شهرستان با استفاده از تکنیک پرومتی

نام مقصد	جریان رتبه‌بندی مثبت	جریان رتبه‌بندی منفی	جریان خالص رتبه‌بندی	امتیاز نهایی نرمال شده	رتبه
طرقبه	۰,۷۵۴۱	۰	۰,۷۵۴۱	۱۰۰	۱
شاندیز	۰,۶۵۷	۰,۰۰۱۱	۰,۶۵۵۹	۹۱,۷	۲
ویرانی	۰,۳۷۶۶	۰,۰۱۷۴	۰,۳۵۹۲	۶۶,۶۲	۳
کنگ	۰,۳۲۳۶	۰,۰۶۱۸	۰,۲۶۱۸	۵۸,۳۸	۴
ابرده علیا	۰,۲۲۶۳	۰,۰۴۵۹	۰,۱۸۰۵	۵۱,۵۱	۵
حصار گلستان	۰,۲۲۰۱	۰,۰۶۱۸	۰,۱۵۸۳	۴۹,۶۳	۶
ازغد	۰,۲۱۸۹	۰,۰۶۳۲	۰,۱۵۵۷	۴۹,۴۱	۷
زشک	۰,۱۸۴	۰,۰۴۶۲	۰,۱۳۷۸	۴۷,۹	۸
نقندر	۰,۱۵۶۵	۰,۰۵۹۴	۰,۰۹۷۱	۴۴,۴۶	۹
جاغرق	۰,۱۵۱۳	۰,۰۶۲۲	۰,۰۸۹	۴۳,۷۷	۱۰
مایان وسطی	۰,۱۳۸۱	۰,۰۵۶۶	۰,۰۸۱۴	۴۳,۱۳	۱۱
مایان علیا	۰,۱۱۹۵	۰,۰۶۳۲	۰,۰۵۶۳	۴۱,۰۱	۱۲
دهبار	۰,۱۱۸۲	۰,۰۷۳۴	۰,۰۴۴۸	۴۰,۰۴	۱۳
مایان سفلی	۰,۱۱۳۵	۰,۰۷۷۹	۰,۰۳۵۵	۳۹,۲۵	۱۴
نوچاه	۰,۱۲۷۲	۰,۱۰۷۸	۰,۰۱۹۴	۳۷,۸۹	۱۵
دهنو	۰,۱۳۳۲	۰,۱۳۳۹	-۰,۰۰۰۶	۳۶,۲	۱۶
سرآسیاب	۰,۱۱۴۵	۰,۱۱۵۴	-۰,۰۰۱	۳۶,۱۷	۱۷
ابرده سفلی	۰,۰۸۰۲	۰,۱۱۲۵	-۰,۰۳۲۲	۳۳,۵۳	۱۸
صفی‌آباد	۰,۰۸۵۲	۰,۱۳۶۲	-۰,۰۵۱	۳۱,۹۴	۱۹
گراخک	۰,۰۶۳۶	۰,۱۱۵۲	-۰,۰۵۱۶	۳۱,۸۹	۲۰
کلاته آهن	۰,۰۷۱۵	۰,۱۳۹۸	-۰,۰۶۸۳	۳۰,۴۸	۲۱
چاه خاصه	۰,۰۸۸۷	۰,۱۵۸۹	-۰,۰۷۰۲	۳۰,۳۲	۲۲
حصار سرخ	۰,۰۶۲۱	۰,۱۴۹۶	-۰,۰۸۷۶	۲۸,۸۴	۲۳
کلاته ابراهیم‌خان	۰,۰۶۵۱	۰,۱۵۴۵	-۰,۰۸۹۴	۲۸,۶۹	۲۴
خانرود	۰,۰۶۵۷	۰,۱۶۸۳	-۰,۱۰۲۷	۲۷,۵۷	۲۵
مغان	۰,۱۲۶۶	۰,۲۷۶۹	-۰,۱۵۰۴	۲۳,۵۴	۲۶
اردمه	۰,۰۴۶۸	۰,۲۲۰۱	-۰,۱۷۳۳	۲۱,۶	۲۷
فرح آباد	۰,۰۴۲۳	۰,۲۲۸۳	-۰,۱۸۶	۲۰,۵۳	۲۸
کلاته عبدل	۰,۰۱۶۲	۰,۲۸۲۳	-۰,۲۶۶۱	۱۳,۷۵	۲۹
سربرج	۰,۰۵۷۳	۰,۳۲۸	-۰,۲۷۰۷	۱۳,۳۷	۳۰
تجر	۰,۰۰۹۶	۰,۳۵۲۷	-۰,۳۴۳۱	۷,۲۴	۳۱
مج	۰,۰۱۲۴	۰,۳۶۳۸	-۰,۳۵۱۳	۶,۵۵	۳۲
شلگرد	۰,۰۰۱۶	۰,۳۶۴۴	-۰,۳۶۲۸	۵,۵۸	۳۳
چاهشک	۰,۰۰۹۷	۰,۴۳۸۵	-۰,۴۲۸۸	۰	۳۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲.

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

پس از محاسبه امتیاز نهایی مقصدهای گردشگری، از روش تجزیه و تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی برای سطح‌بندی مقصدها استفاده شده است؛ یافته‌ها به لحاظ توزیع و مرتبه سطوح، گویای آن است که از مجموع ۳۴ مقصد، ۵,۹ درصد در سطح ۱ ، ۱۷,۶ درصد در سطح ۲، ۵۰ درصد در سطح ۳ و ۲۶,۵ درصد نیز در سطح ۴ واقع شده‌اند (جدول ۷)؛ در نتیجه عدم تناسب در توزیع سطوح مقصدهای گردشگری شهرستان، یکی از چالش‌های مهم سازمان فضایی توسعه گردشگری به‌شمار می‌آید (شکل ۴).

جدول شماره (۷): سطح‌بندی مقصدهای گردشگری

شرح	مقصدها		نام مقصدها
	تعداد	درصد	
سطح ۱	۲	۵٫۸۸	طرقبه (۱۰۰,۰۰)، شاندیز (۹۱,۷۰)
سطح۲	۶	۱۷٫۶۵	ویرانی (۶۶٫۶۲)، کنگ (۵۸,۳۸)، ابرده علیا (۵۱٫۵۱)، حصار گلستان (۴۹٫۶۳)، ازغد (۴۹,۴۱)، زشک (۴۷,۹۰)
سطح۳	۱۷	۵۰,۰۰	نقندر (۴۴,۴۶)، جاغرق (۴۳,۷۷)، مایان وسطی (۴۳,۱۳)، مایان علیا (۴۱,۰۱)، دهبار (۴۰,۰۴)، مایان سفلی (۳۹,۲۵)، نوچاه (۳۷٫۸۹)، دهنو (۳۶,۲۰)، سرآسیاب (۳۶,۱۷)، ابرده سفلی (۳۳٫۵۳)، صفی‌آباد (۳۱,۹۴)، گراخک (۳۱٫۸۹)، کلاته‌آهن (۳۰,۴۸)، چاه‌خاصه (۳۰,۳۲)، حصار سرخ (۲۸٫۸۴)، کلاته ابراهیم‌خان (۲۸٫۶۹)، خانرود (۲۷٫۵۷)
سطح۴	۹	۲۶٫۴۷	مغان (۲۳٫۵۴)، اردمه (۲۱٫۶۰)، فرح‌آباد (۲۰٫۵۳)، کلاته عبدل (۱۳,۷۵)، سربرج (۱۳,۳۷)، تجر (۷,۲۴)، مج (۶٫۵۵)، شلگرد (۵٫۵۸)، چاهشک (۰,۰۰)
جمع	۳۴	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲.

با توجه به چهار سطح شناسایی شده، میانگین امتیازات بر پایه مؤلفه‌های تعریف شده سیستم فضایی گردشگری در پهنه شهرستان، نمایانگر آن است که بیشترین امتیاز میانگین با ۴۸,۴۹ واحد از آن مؤلفه «کارکردهای مقصد» و در مراحل بعد متعلق به «دسترسی‌های مقصد» (با امتیاز ۳۰,۸۲) و سپس «ظرفیت‌های مقصد» (۳۰,۶۱) می‌باشد؛ از سویی بر حسب میانگین امتیاز سه مؤلفه مذکور و به‌طور طبیعی سطح ۱ در مجموع بیشترین امتیاز را در قالب سه مؤلفه به خود اختصاص داده است. محاسبه ضریب پراکندگی نشان می‌دهد، برابری در توزیع امتیاز مؤلفه‌ها در گستره ۳۴ مقصد شهرستان وضعیت مناسبی نداشته هر چند که نابرابری در توزیع میان مؤلفه «کارکردهای مقصد» (با ۱,۸۱ واحد) بسیار بیشتر از دو مؤلفه دیگر بوده و به تبع، نقش مهمی در عدم توازن فضایی در گستره ناحیه نیز دارد (جدول ۸).

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

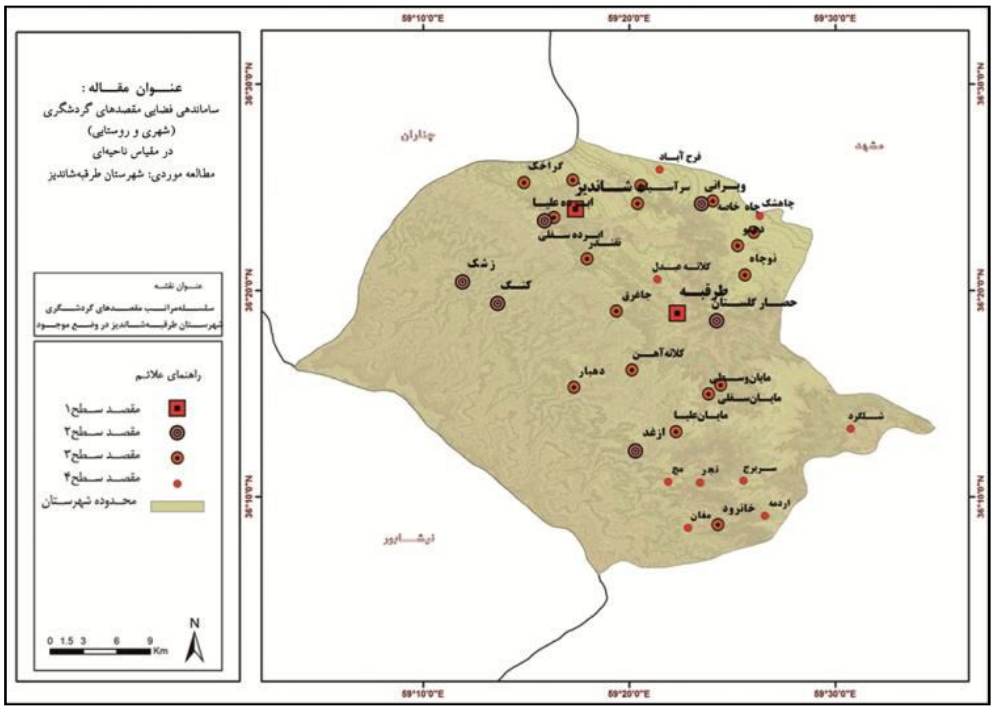

شکل شماره (۴): نقشه سطح‌بندی فضایی مقصدهای گردشگری در گستره ناحیه

جدول شماره (۸): میانگین امتیازات مؤلفه‌های سه‌گانه به تفکیک هر یک از سطوح

شرح	میانگین امتیازات ظرفیت‌های مقصد	میانگین امتیازات کارکردهای مقصد	میانگین امتیازات دسترسی‌های مقصد
سطح ۱	94.10	99.32	94.58
سطح۲	60.32	7.85	61.43
سطح۳	38.61	0.01	59.37
سطح۴	23.57	0.00	19.28
میانگین	30.61	48.49	30.82
ضریب پراکندگی	0.57	1.81	0.53

همچنین یافته‌های توصیفی بر حسب معیارهای هشت‌گانه نشانگر آن است که معیار «کیفیت دسترسی» (با میانگین امتیاز۶۳,۹۹ واحد) و «ابعاد فضایی» (با میانگین امتیاز ۶۲,۸۸ واحد) بیشترین امتیاز را در پهنه مقصدهای گردشگری شهرستان به خود اختصاص داده‌اند و در مقابل کمترین میانگین امتیاز از آن «خدمات پشتیبان گردشگری» (۲۵ واحد) و سپس «خدمات عمومی» (۲۸,۵۹ واحد) می‌باشد؛ از سویی، بر پایه محاسبه ضریب پراکندگی، توزیع امتیاز معیارهای هشت‌گانه در قلمرو مقصدهای گردشگری شهرستان طرقبه شاندیز نابرابر بوده است. در این میان، بیشترین نابرابری در توزیع از آن معیار «خدمات پشتیبان گردشگری» و کمترین میزان نابرابری نیز مربوط به معیار «ابعاد فضایی» است. بیشترین میانگین امتیاز معیارها متعلق به سطح ۱ و کمترین میانگین امتیاز معیارها نیز به سطح ۴ اختصاص داشته است (جدول ۹ و شکل ۵).

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

جدول شماره (۹): میانگین امتیازات معیارهای هشتگانه به تفکیک هر از سطوح

شرح	کمیت منابع و دارایی‌های گردشگری	کیفیت منابع و دارایی‌های گردشگری	وضعیت طبیعی	ابعاد فضایی	خدمات عمومی	خدمات پشتیبان گردشگری	قابلیت دسترسی	کیفیت دسترسی
سطح۱	93.74	98.38	97.73	86.56	98.64	100.00	89.15	100.00
سطح۲	46.80	84.31	44.56	65.61	15.70	0.00	54.11	68.74
سطح۳	8.27	32.61	50.63	62.94	0.02	0.00	52.23	66.51
سطح۴	6.91	27.66	23.30	36.39	0.00	0.00	17.86	20.70
میانگین	38.93	60.74	54.06	62.88	28.59	25.00	53.34	63.99
ضریب پراکندگی	0.91	0.51	0.50	0.28	1.43	1.73	0.47	0.44

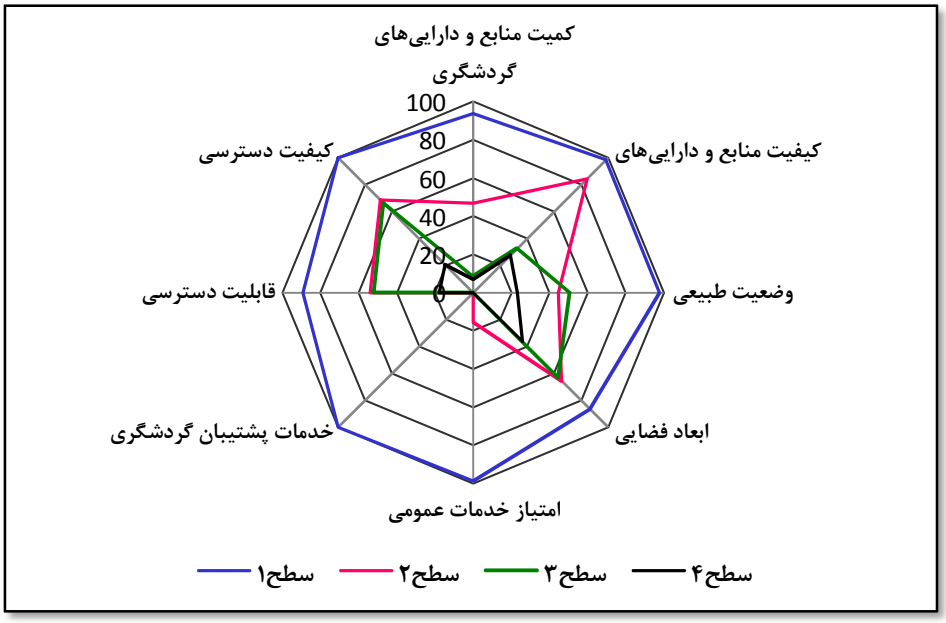

شکل شماره (۵) : نمودار راداری توزیع میانگین امتیازات سطوح فضایی مقصدها بر پایه معیارهای منتخب

برای تعیین حوزه‌ی نفوذ مقصدهای گردشگری، ارقام مربوط به نقطه شکست برای هر مقصد محاسبه و سپس وارد نرم‌افزار ArcGIS شده است و حوزه‌ی نفوذ مقصدها به تفکیک هر سطح در این نرم‌افزار محاسبه و تعیین گردیده است. نتایج در شکل شماره ۶ قابل مشاهده می‌باشد.

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

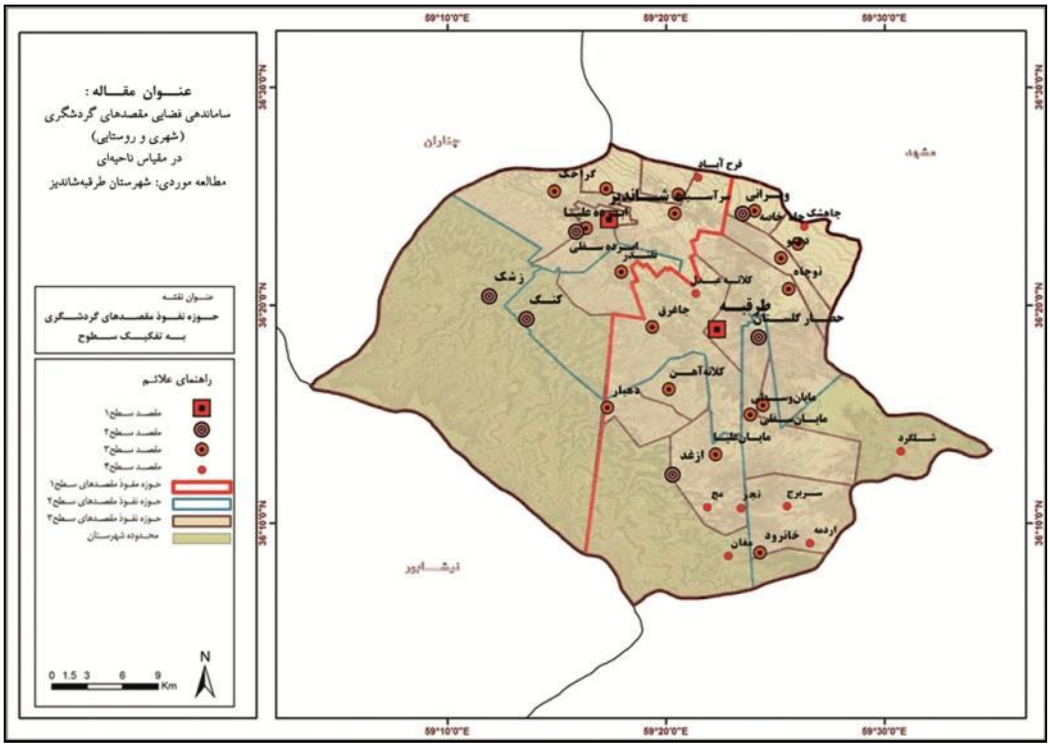

شکل شماره (۶) : نقشه حوزه‌ی نفوذ مقصدهای گردشگری به تفکیک سطوح

۵) نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در پهنه ناحیه (شهرستان طرقبه شاندیز)، مقصدهای گردشگری بر اساس سه مؤلفه‌ی تعریف شده‌ی "کارکردهای مقصد، ظرفیت‌های مقصد و دسترسی‌ها"، با بی‌نظمی و شکاف در سازمان فضایی و ساختار سلسله‌مراتبی مواجه می‌باشد؛ شاخص ضریب پراکندگی که بیانگر میزان تفاوت در توزیع امتیازهای مؤلفه‌ها در میان سطوح است، برای مؤلفه‌ی «کارکردها (خدمات) مقصد» بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. چنانچه این مؤلفه به تفکیک دو معیار «کارکردها (خدمات) عمومی» و «کارکردها (خدمات) پشتیان گردشگری» مورد بررسی قرار گیرد، مشاهده می‌شود که از بین این دو معیار، عملکرد سطوح۲، ۳ و ۴، در معیار «کارکردهای (خدمات) پشتیان گردشگری» به مراتب ضعیف‌تر است؛ در حالی که عملکرد این مقصدها در سایر مؤلفه‌ها به ویژه در مقصدهای سطح ۲ برای مؤلفه‌ی ظرفیت‌های مقصد (با میانگین امتیازات ۶۰,۳۲) و برای مؤلفه‌ی دسترسی‌های مقصد (با میانگین امتیاز ۶۱,۴۳) حاکی از وجود ظرفیت و پتانسیل قابل قبول برای توسعه می‌باشد؛ این مطلب گویای حضور مقصدهای برتر (طرقبه وشاندیز) و تسلط کارکردی- خدماتی آن‌ها و در نهایت شکل‌گیری الگوی دو سطحی از پیوندهای فضایی میان دو مقصد برتر از یکسو و دیگر مقصدهای موجود در پهنه‌ی ناحیه از طرف دیگر است.

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

وضعیت موجود می‌تواند تا حدودی در نتیجه‌ی اعمال نفوذ و تأثیرگذاری جهت‌گیری‌های سیاسی در توجه به مقصدهای برتر و کم‌توجهی به مقصدهای کوچک‌تر نیز باشد. از آن‌جا که عمده‌ی بارگذاری خدمات پشتیبان گردشگری در مقصدهای برتر (طرقبه شاندیز) به‌وقوع پیوسته است (مواردی همچون هتل‌ها و تأسیسات اقامتی، بسیاری از رستوران‌ها و تأسیسات پذیرایی شناخته شده در ناحیه، بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌های گردشگری موجود و یا در دست احداث در ناحیه، مناطق نمونه گردشگری تعریف شده و مانند آن)، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که روند برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری نیز همسوی با جهت‌گیری‌های کلی سیاسی، الگوی قطبی و غیرمتوازن موجود را تشدید نموده است.

نکته‌ی دیگری که در خصوص نتایج این پژوهش می‌توان مورد توجه قرار داد، توجه به مؤلفه‌ی دسترسی‌ها و نقش آن در تعیین جایگاه و سطح مقصدهای گردشگری ناحیه‌ی مورد مطالعه است. اگر چه در تعیین امتیاز و رتبه‌ی مقصدهای گردشگریْ هر سه مؤلفه‌ی مورد بررسی نقش و تأثیر خود را دارا بوده، برآیند امتیاز این سه مؤلفه است که جایگاه نهایی مقصدها را در نظام سلسله‌مراتبی گردشگری ناحیه مشخص می‌کند، با این حال با توجه به امتیاز مؤلفه‌ی دسترسی‌ها، عملکرد ضعیف مقصدهای سطح ۴ به خوبی مشهود است؛ به‌گونه‌ای که اکثریت قریب به اتفاق مقصدهای سطح ۴ حتی فاقد راه دسترسی آسفالته می‌باشد. این امر نشان‌دهنده‌ی اهمیت شایان توجه زیرساخت‌ها و خطوط ارتباطی در تسهیل جریان توسعه به طور عام و توسعه‌ی گردشگری به طور خاص است.

متأثر از شناخت حاصل شده از وضعیت موجود سازمان فضایی مقصدهای گردشگری در سطح شهرستان مورد مطالعه، می بایست برای به‌سامان‌سازی وضعیت، الگوی بهینه (پیشنهادی) توسعه‌ی سازمان فضایی را ارایه نمود؛ به طور کلی، برای یک منطقه‌ی فرضی سه الگوی تیپ تمرکز کامل، عدم تمرکز کامل و تمرکز غیرتمرکز (تمرکز جزئی) در پیکره‌بندی ساختار فضایی قابل دسته‌بندی است (صرافی، ۱۳۶۴: ۲۱). رویکرد تمرکز کامل (پیکره‌بندی الف) به کارآیی بیشتر کانون‌های فعالیتی بزرگ نسبت به کانون‌های فعالیتی متوسط و کوچک باور دارد و بر آن تأکید می‌کند، این رویکرد ریشه در نظریه‌ی "قطب رشد" پرو داشته و چنین استدلال می‌کند که کانون‌های فعالیتی بزرگ به دلیل صرفه‌جویی‌های ناشی از تجمع و مقیاس، ارزش افزوده بیشتری تولید می‌کنند و در نتیجه نرخ رشد اقتصادی بیشتری دارند (همان: ۲۲).

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

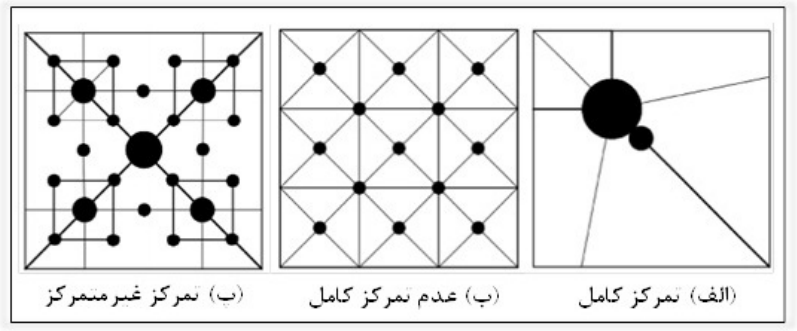

شکل شماره (۷): الگوهای تجریدی توسعه‌ی سازمان فضایی

رویکرد عدم تمرکز کامل (پیکره‌بندی ب) در نقطه مقابل رویکرد تمرکز کامل است؛ زیرا، کانون‌های فعالیتی متوسط و کوچک به صورت پراکنده و تا حدی مستقل از یکدیگر در منطقه استقرار یافته و به گردشگران خدمت‌رسانی می‌کنند. ممکن است این رویکرد این تفکر را تداعی کند که "کلیه فضاها برای همه" قابل استفاده است، اما به منظور بهینه نمودن سازمان فضایی و با توجه به محدودیت منابع، همگن‌سازی[1] فضا، نه اقتصادی است و نه ممکن (همان: ۲۲).

رویکرد تمرکز غیرمتمرکز (پیکره‌بندی پ) که مترادف با ساختار فضایی سلسله‌مراتبی است، توزیع بهینه رشد و توسعه مبتنی بر فرایندی اندام‌وار را در پهنه‌ی فضا هدف قرار داده و بهره‌مندی از صرفه‌های ناشی از مقیاس و مرکزیت مکانی را به تصویر می‌کشد. یکی از ویژگی‌های قابل توجه این ساختار آن است که نقش مراکز رشد را در سطح تمامی منطقه بازنموده و در پیوندی نظام‌پذیر (سیستماتیک) با پراکندگی‌ها قرار می‌دهد. در این رویکرد به جای تمرکز کلیه خدمات در یک کانون بزرگ، سلسله‌مراتبی از کانون‌های فعالیتی در اندازه‌ها و عملکردهای مختلف پیشنهاد می‌شود. در نظام سلسله‌مراتبی، هر چه از رأس هرم به قاعده نزدیک‌تر می‌شویم، از اندازه و نقش کانون‌های فعالیتی کاسته شده، در مقابل بر تعدادشان افزوده می‌شود. در نتیجه انتشار و انتقال منابع و منافع رشد و توسعه در ساختار سلسله‌مراتبی نه بر حسب مجاورت فیزیکی، بلکه بر حسب ضرورت‌های سلسله‌مراتبی (که آمادگی پذیرش در فضای سطح بعدی است) صورت می‌گیرد (صرافی،۱۳۶۲: ۲۲).

این پژوهش، نوع سوم از الگوهای توسعه، یعنی "تمرکز غیرمتمرکز" را به عنوان الگوی مناسب برگزیده است، زیرا از نظر مکانی با ایجاد نظامی از کانون‌های رشد که بر حسب سلسله‌مراتب انتظام می‌یابند، همه مقصدهای گردشگری را قادر می‌سازد تا به تناسب سهم و نقشی که در کل نظام گردشگری منطقه دارند از منابع و منافع رشد و توسعه نیز برخوردار شوند. پس از تعیین الگوی توسعه مورد نظر، در راستای دستیابی به آرایش مطلوب و مقدور مکانی-فضایی مقصدهای گردشگری ناحیه، ضروری است تا

[1] Homogenization

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

سازمان فضایی ایده‌ئال و نظام سلسله‌مراتب نقاط و مقصدهای گردشگری محدوده‌ی مورد مطالعه در چارچوب اصول نظریه‌های مکانی (به ویژه کریستالر) ارائه شود. با در نظر گرفتن ضریب K = 3 (برگرفته از نظریه مکان مرکزی کریستالر) و تعداد ۳۴ مقصد گردشگری در محدوده مورد مطالعه، نظام سلسله‌مراتبی به صورت ایده‌ئال (انتزاعی) به شرح جدول شماره ۱۰خواهد بود. چنانچه سطح‌بندی بر اساس این الگوی ذهنی و ایده‌ئال انجام شود، نظام حاصل متشکل از یک قطب گردشگری، سه مرکز رشد گردشگری، ۷ کانون مرکزی گردشگری و ۲۳ کانون اقماری خواهد بود. پراکندگی فضایی مقصدهای گردشگری منطبق با ساختار سلسله‌مراتبی نظری در نقشه شماره ۳ قابل مشاهده است.

جدول شماره (۱۰) : تعداد ایده‌آل مقصدهای گردشگری در هر سطح از نظام سلسله‌مراتب

سطح چهارم	$34 - \frac{34}{3} \approx 23$	$\frac{n}{3^0} - \frac{n}{3^1}$
سطح سوم	$\frac{34}{3} - \frac{34}{9} \approx 7$	$\frac{n}{3^1} - \frac{n}{3^2}$
سطح دوم	$\frac{34}{9} - \frac{34}{27} \approx 3$	$\frac{n}{3^2} - \frac{n}{3^3}$
سطح اول	$\frac{34}{27} - \frac{34}{81} \approx 1$	$\frac{n}{3^3} - \frac{n}{3^4}$

منبع:Meyer &Huggett, 1978: 21

همانگونه که در شکل شماره ۸ نیز مشاهده می‌شود، سلسله‌مراتب سازگار با منطق تئوریک و انتزاعی حاکم بر نظریه‌های مکانی (به‌ویژه نظریه کریستالر) با واقعیت‌های جغرافیایی و محیطی منطقه‌ی مورد مطالعه انطباق ندارد؛ این مسئله گویای آن است که اگرچه می‌توان سلسله‌مراتبی از نقاط و عملکردها را در دنیای واقعی شناسایی کرد، اما به ندرت میان آن‌ها و الگوی منظم توصیف شده در تئوری، هم‌خوانی کامل وجود خواهد داشت؛ علت این امر را می‌توان در پیچیدگی به مراتب چشم‌گیرتر دنیای واقعی در مقایسه با چشم‌انداز نظری پیش‌فرض در تئوری‌ها دانست (Mandal, 1989: 510). باید این نکته را مدنظر قرار داد که این مدل‌ها در واقع پایه‌های نظری لازم به منظور مقایسه شرایط ایده‌ئال با شرایط واقعی را به‌دست می‌دهند و نوعی پیش‌زمینه ذهنی و الگوی انتزاعی فراهم می‌آورند که از طریق مقایسه آن با شرایط دنیای واقعی، می‌توان انتخاب‌های جایگزین و در نهایت گزینه‌ی مقدور و بهینه را در دستور کار قرار داد.

در این پژوهش نیز در راستای انطباق الگوهای تئوریک با واقعیت‌ها و معیارهای: امتیاز بالای عملکردی، شرایط توپوگرافی و متناسب با آن حداکثر پراکندگی و پوشش‌دهی فضایی، مرکزیت ثقل جغرافیایی، همگونی‌های اقتصادی- اجتماعی و در نهایت کمیت و کیفیت شبکه دسترسی‌ها، مقصدهای

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

دارای موقعیت برتر و مرکزی در هر سطح شناسایی شده و از طریق مقایسه‌ی الگوی تجریدی بر مبنای اصول حاکم بر تئوری‌های مکانی با الگوی وضع موجود، الگوی پیشنهادی ارائه شده است.

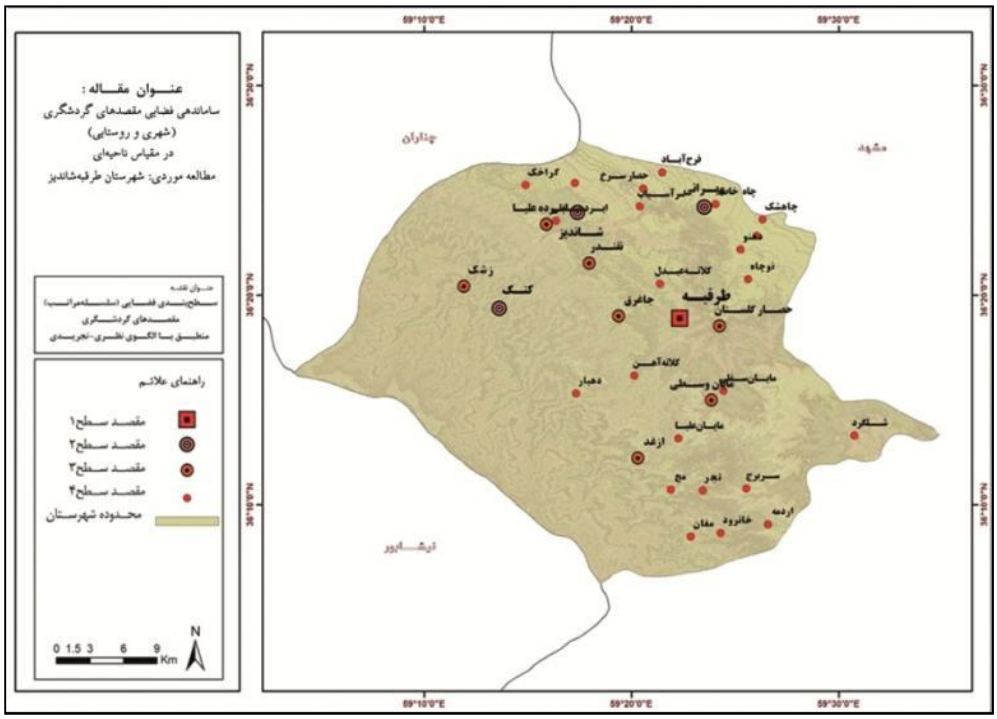

شکل شماره (۸): نقشه سطح‌بندی فضایی (سلسله‌مراتب) مقصدهای گردشگری مطابق با الگوی نظری-تجریدی

می‌توان در جدول ۱۱، مقایسه تطبیقی میان دو الگوی وضع موجود و الگوی ایده‌ئال و در نهایت الگوی پیشنهادی را مورد توجه قرار داد. اشکال شماره ۹ و ۱۰ نیز نظام پیشنهادی سلسله‌مراتب مقصدهای گردشگری شهرستان طرقبه‌شاندیز را نشان می‌دهد. با توجه به الگوی پیشنهادی ارائه شده و به منظور بهبود وضعیت و ساماندهی فضایی مقصدهای گردشگری شهرستان طرقبه‌شاندیز و تلاش در جهت توزیع عادلانه‌ی توسعه گردشگری و منافع ناشی از آن، متناسب با موقعیت و جایگاه هر یک از مقصدها در نظام گردشگری این شهرستان و حرکت در جهت تحقق اصول و اهداف توسعه‌ی پایدار گردشگری، پیشنهادهای زیر می‌تواند، در دستورکار قرار گیرد:

- تخصیص خدمات و امکانات پشتیبان گردشگری بر اساس نظام سلسله‌مراتبی پیشنهادی مقصدهای گردشگری. تا به این ترتیب هر سطح با توجه به جایگاه فضایی خود در این نظام سلسله‌مراتبی بتواند نه تنها نیازهای گوناگون خود، بلکه حتی‌المقدور تسهیلات و امکانات لازم برای سطوح پایین‌تر از خود را نیز به ترتیبی اثربخش فراهم نماید؛
- اولویت‌بندی تخصیص اعتبارات برای توسعه و تجهیز زیرساخت‌های گردشگری مبتنی بر نظام سلسله‌مراتبی پیشنهادی؛

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

- اولویت تجهیز مقصدهای سطح ۴ در کوتاه‌مدت با هدف توزیع و انتشار منافع توسعه در مقصدهای کمتر برخوردار و متوازن نمودن سطوح بالایی و پایینیِ سازمان فضایی در حال توسعه‌ی گردشگری؛
- اولویت تجهیز سطوح میانی در میان‌مدت به عنوان حلقه‌های واسط در سازمان فضایی توسعه‌ی گردشگری ناحیه؛
- اولویت تجهیز سطوح برتر به برخی از زیرساخت‌ها و خدمات کلیدی به صورت ضربتی و در مقطع کوتاه مدت که ضامن توسعه‌ی کل سازمان فضایی گردشگری در سطح ناحیه خواهد بود؛ در این راستا، کارکردها و خدمات توزیع و اطلاع‌رسانی و خدمات مدیریتی گردشگری در اولویت قرار می‌گیرد؛
- ارتقاء کیفیت زیرساخت‌ها و خدمات پشتیبان گردشگری در مقاطع میان‌مدت و بلندمدت و با اولویت تجهیز سطوح برتر، میانی و فروتر؛
- پی‌ریزی ساختاری مناسب برای نظام راهبری و مدیریت توسعه‌ی گردشگری در سطح ناحیه همسو با سازمان فضایی پیشنهادی در فرآیند تصمیم‌سازی و تخصیص منابع.

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

جدول شماره (۱۱): تطبیق الگوی سلسله‌مراتب فضایی مقصدهای گردشگری بر مبنای الگوی نظری، وضع موجود و پیشنهادی

شرح	الگوی نظری		الگوی وضع موجود		الگوی پیشنهادی					
	تعداد مقصدها	نام مقصدها	تعداد مقصدها	نام مقصدها	تعداد مقصدها	نام مقصدها	مقصد دارای موقعیت برتر و مرکزی		مقصد مستقل	
							تعداد	نام	تعداد	نام
سطح۱ (قطب گردشگری)	۱	طرقبه (۱۰۰,۰۰)	۲	طرقبه (۱۰۰,۰۰)، شاندیز (۹۱,۷۰)	۲	طرقبه (۱۰۰,۰۰)،شاندیز (۹۱,۷۰)	۲	طرقبه، شاندیز	-	-
سطح۲ (مرکز رشد گردشگری)	۳	شاندیز (۹۱,۷۰)، ویرانی (۶۶,۶۲)، کنگ (۵۸,۳۸)	۶	ویرانی (۶۶,۶۲)، کنگ (۵۸,۳۸)، ابرده علیا (۵۱,۵۱)، حصار گلستان (۴۹,۶۳)، ازغد (۴۹,۴۱)، زشک (۴۷,۹۰)	۶	ویرانی (۶۶,۶۲)، کنگ (۵۸,۳۸)، ابرده علیا (۵۱,۵۱)، حصار گلستان (۴۹,۶۳)، ازغد (۴۹,۴۱)، زشک (۴۷,۹۰)	۳	ویرانی، کنگ، ازغد	۳	ابرده علیا، حصار گلستان، زشک
سطح۳ (کانون مرکزی گردشگری)	۷	ابرده علیا (۵۱,۵۱)، حصار گلستان (۴۹,۶۳)، ازغد (۴۹,۴۱)، زشک (۴۷,۹۰)، نقندر (۴۴,۴۶)، جاغرق (۴۳,۷۷)، مایان وسطی (۴۳,۱۳)	۱۷	نقندر (۴۴,۴۶)، جاغرق (۴۳,۷۷)، مایان وسطی (۴۳,۱۳)، مایان علیا (۴۱,۰۱)، دهبار (۴۰,۰۴)، مایان سفلی (۳۹,۲۵)، نوچاه (۳۷,۸۹)، دهنو (۳۶,۲۰)، سرآسیاب (۳۶,۱۷)، ابرده سفلی (۳۳,۵۳)، صفی‌آباد (۳۱,۹۴)، گراخک (۳۱,۸۹)، کلاته‌آهن (۳۰,۴۸)، چاه‌خاصه (۳۰,۳۲)، حصار سرخ (۲۸,۸۴)، کلاته ابراهیم‌خان (۲۸,۶۹)، خانرود (۲۷,۵۷)	۸	نقندر (۴۴,۴۶)، جاغرق (۴۳,۷۷)، مایان وسطی (۴۳,۱۳)، سرآسیاب (۳۶,۱۷)، دهنو (۳۶,۲۰)، کلاته‌آهن (۳۰,۴۸)، کلاته ابراهیم‌خان (۲۸,۶۹)، خانرود (۲۷,۵۷)	۶	مایان وسطی، دهنو، سرآسیاب، کلاته‌آهن، کلاته ابراهیم‌خان، خانرود	۲	نقندر، جاغرق
سطح۴ (کانون اقماری)	۲۳	مایان علیا (۴۱,۰۱)، دهبار (۴۰,۰۴)، مایان سفلی (۳۹,۲۵)، نوچاه (۳۷,۸۹)، دهنو (۳۶,۲۰)، سرآسیاب (۳۶,۱۷)، ابرده سفلی (۳۳,۵۳)، صفی‌آباد (۳۱,۹۴)، گراخک (۳۱,۸۹)، کلاته‌آهن (۳۰,۴۸)، چاه‌خاصه (۳۰,۳۲)، حصار سرخ (۲۸,۸۴)، کلاته ابراهیم‌خان (۲۸,۶۹)، خانرود (۲۷,۵۷)، مغان (۲۳,۵۴)، اردمه (۲۱,۶۰)، فرح‌آباد (۲۰,۵۳)، کلاته عبدل (۱۳,۷۵)، سربرج (۱۳,۳۷)، تجر (۷,۲۴)، مج (۶,۵۵)، شلگرد (۵,۵۸)، چاهشک (۰,۰۰)	۹	مغان (۲۳,۵۴)، اردمه (۲۱,۶۰)، فرح‌آباد (۲۰,۵۳)، کلاته عبدل (۱۳,۷۵)، سربرج (۱۳,۳۷)، تجر (۷,۲۴)، مج (۶,۵۵)، شلگرد (۵,۵۸)، چاهشک (۰,۰۰)	۱۸	مایان علیا (۴۱,۰۱)، دهبار (۴۰,۰۴)، مایان سفلی (۳۹,۲۵)، نوچاه (۳۷,۸۹)، ابرده سفلی (۳۳,۵۳)، صفی‌آباد (۳۱,۹۴)، گراخک (۳۱,۸۹)، چاه‌خاصه (۳۰,۳۲)، حصار سرخ (۲۸,۸۴)، مغان (۲۳,۵۴)، اردمه (۲۱,۶۰)، فرح‌آباد (۲۰,۵۳)، کلاته عبدل (۱۳,۷۵)، سربرج (۱۳,۳۷)، تجر (۷,۲۴)، مج (۶,۵۵)، شلگرد (۵,۵۸)، چاهشک (۰,۰۰)	-	-		-

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

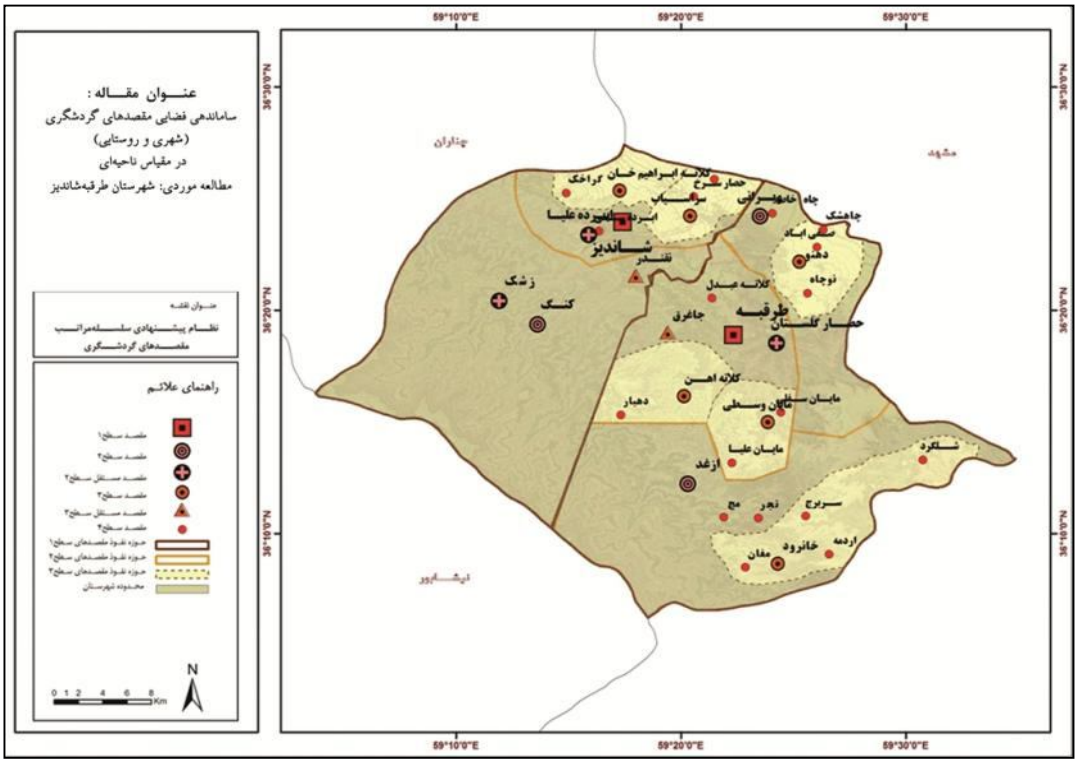

شکل شماره (۹): نظام پیشنهادی سلسله‌مراتب مقصدهای گردشگری

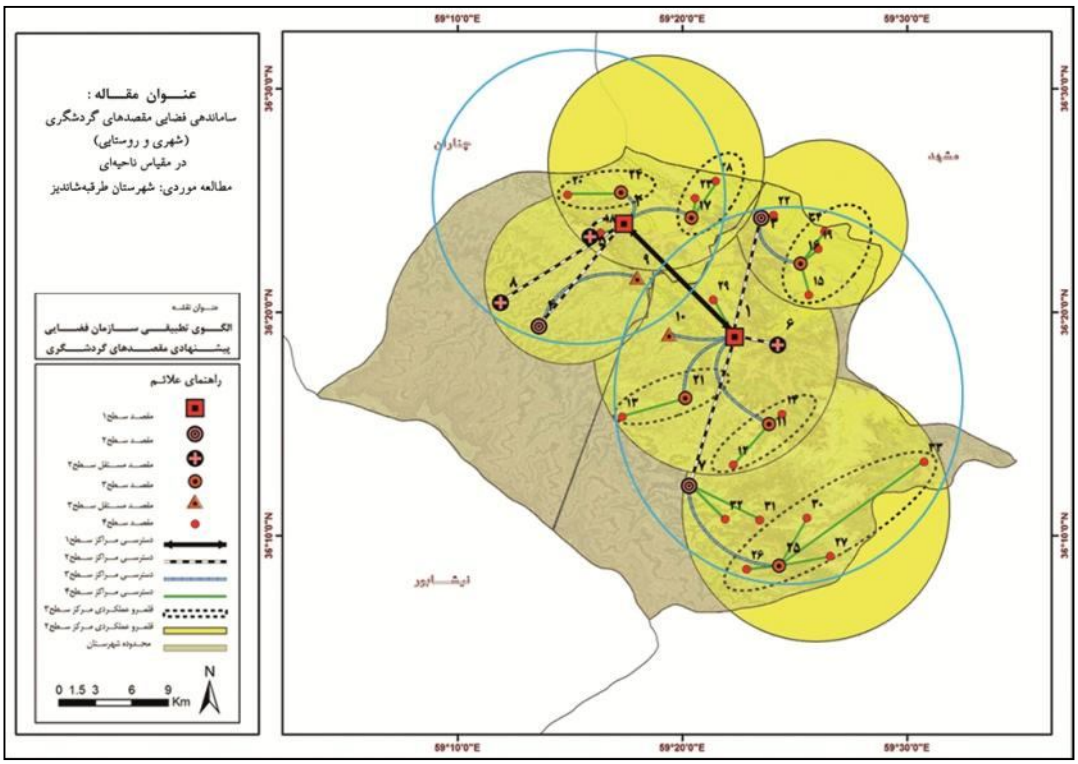

شکل شماره (۱۰): الگوی تطبیقی سازمان فضایی پیشنهادی مقصدهای گردشگری

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

۶) منابع

- Azizpour, F. and Mohsenzadeh, A. (2010). **Theories and Approaches of Spatial Organization of Rural Settlements.** Tehran: Bonyad Maskan. In Persian.
- Behzadian, M., Kazemzadeh, R.B., Albadvi, A. and Aghdasi, M. (2010). **PROMETHEE: A comprehensive literature review on methodologies and applications**. European Journal of Operational Research 200 (2010), 198-215.
- Boers, B., & Cottrell, S. (2005). **Sustainable Tourism Infrastructure Planning: A GIS Based Approach.** Proceedings of the 2005 Northeastern Recreation Research Symposium. Bolton Landing, NY. Gen. Tech. Rep.
- Boers, B., & Cottrell, S. (2005). **Sustainable Tourism Infrastructure Planning: A GIS Based Approach. Proceedings of the 2005 Northeastern Recreation Research Symposium**. Bolton Landing, NY.: Gen. Tech. Rep.
- Brans, J. P. and Mareschal, B. (2000). **How to Decide with PROMETHEE. ULB and VUB Brussels Free Universities** (http://homepages.ulb.ac.be/~bmaresc/PromWeb.htm).
- Daniels, M. J. (2007). **Central Place Theory and Sport Tourism Impacts**. Annals of Tourism Research, Vol. 34, No. 2, 332-347.
- DHV Consultants (1992). **A Guideline for Rural Planning**. Tehran: Rural Issues Research Center. In Persian.
- Diamantis, D. (2007). **Ecotourism: Management and Assessment**. London: Thomson Learning.
- Ding, L., Wang, Y., Zhang, F., Wu, X., & Tang, S. (2011). **Spatial Structure of Tourist Attractions in Nanjing,** China. IEEE.
- Douglass, M. (1998). **A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages: An Agenda for Policy Research With Reference to Indonesia**. Third World Planning Review, Vol. 20, No. 1, 1998, 124-154.
- Dredge, D. (1999). **Destination Place Planning and Design**. Annals of Tourism Research, Vol. 26, No. 4, 772-791.
- Ebrahimzadeh, E., (2007). **Analytical Model in reorganization of areal spaces**, case study: Sangan Khash Area. Geographical Research, No. 59, pp. 35-53, In Persian.
- Ejlali, P., (1994). **Regional analysis and the classification of settlements**. Tehran: Budget and Planning Organization, Socio-economic Press. In Persian.
- Farnahad Consultants (2011). **Abardeh Olya Tourism Region Plan**. Mashhad: Tourism, Cultural Heritage and Handicraft Organization of Razavi Khorasan. In Persian.
- Franklin, A. (2007). **The Problem with Tourism Theory**. In A. Morgan, & A. Pritchard, The Critical Turn in Tourism Studies: Innovative Research Methodologies, 131-148.
- Gunn, C. (2002). **Tourism Planning: Basics, Concepts and Cases**. London: Routledge.
- Javdan, M. (1994). **Spatial Reorganization of Rural Places, case study: Fariman County**. M.A. Thesis. Tehran: Tarbiat Modarres University, Faculty of human Sciences. In Persian.
- Jomepour, M. (2006). **An Introduction to Rural Development Planning: Visions and Methods**. Tehran. SAMT Press. In Persian.
- Kazemi, S. (2012). **Spatial Reorganization of Tourism Destinations in an Areal Scale, Case study: Torghabe Shandiz County**. M.A Thesis. Tehran: Allame Tabatabaee University, Faculty of Management and Accounting. In Persian.
- Lew, A., & McKercher, B. (2006). **Modeling Tourist Movements. A Local Destination Analysis.** Annals of Tourism Research, Vol. 33, No.2, 403-423.
- Mandal, R. (1989). **Systems of Rural Settlements in Developing Countries**. New Delhi: Concept Publishing Company.

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]

- Meyer, I.R. and Huggett, R.J. (1978). **Settlements, Book One of Geography: Theory in Practice.** London: Harper and Row.
- Misra, R.P. (1974). **Spatial Framework of Long Term Multi-level Planning in Iran**. Tehran: Budget and Planning Organization, Research and Education Center in Regional Planning. In Persian.
- Misra, R.P. and Achyutha, R.N (1990). **Micro Level Rural Planning: Principles, Methods and Case Studies.** New Delhi: Concept Publishing Company.
- Moti'i Langrudi, H., and Rezaeeieh, M., (2013). **Impact Assessment of Tourism Economy in Urumieh Lake Resort, According to Local Communities Point of View**. Spatial Economy and Rural Development. Vol. 2, No. 2, 75-91. In Persian.
- Pernecky, T. (2010). **The Being of Tourism.** The Journal of Tourism and Peace Research, 1(1), 1-15.
- Pualj, C. (1983). **An Introduction to Rural Settlement Planning**. London & Newyork.
- Risteski, M., Kocevski, J. and Arnaudov, K. (2012). **Spatial Planning and Sustainable Tourism as Basis for Developing Competitve Tourist Destinations**. Procedia – Social and Behavioral Sciences 44 (2012), 375-386.
- Rondinelli, D. A. (1980). **Spatial Analysis for Regional Development: a Case Study in the Bicol River Basin of the Philippines**. Tokyo, Japan: The United Nations University.
- Saeedi, A. (2009). **Classification of Villages of Iran**. Tehran: Shahidi Press. In Persian.
- Sarrafi, M. (1985). **Spatial Development with a Special Concern about Land Use Planning. Tehran,** Budget and Planning Organization, Regional Planning Department. In Persian.
- Sharpley, R. and Telfer, D. J. (2002). **Tourism and Development: Concepts and Issues**. Clevedon: Channel View Publications.
- Shoja'i, M. (2010). **Prioritizing the Classification Index of Tourism Destinations in Mazandaran Province**. M.A. Thesis. Tehran: Allame Tabatabaee University, Faculty of Management and Accounting. In Persian.
- Taghvaee, M. and Qafari, S.R. (2010). **Spatial Planning in Tourism Development, case study: Chahar Mahal and Bakhtiari Province**, Bazoft. Geographical Research, Vol. 25. No. 1, pp. 79-100, In Persian.
- UNWTO (1998). **Tourism 2020 Vision – Influences. Directional Flows and Key Trends**. Madrid: World Tourism Organization.
- UNWTO (2011). **Tourism Highlights.** Madrid: World Tourism Organization.
- Zarafshani, K., Sharafi, L., Geravandi, Sh. And Qobadi, P. (2013). **Impact Analysis of Tourism Development in Improvement of Rural Places' Socio-economic Index, Case Study: Rijaab Tourism Region in Kermanshah Province.** Spatial Economy and Rural Development. Vol.2, No.3, 199-134. In Persian.

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-04-20]